

سوگنامه مرحوم صفر محمد فايض، شاعر جوان بدخشان زمين

سوگنامه مرحوم صفر محمد فايض، شاعر جوان بدخشان زمين	5
Waheedullah Ghalib	5
Nowrooz Ali Suhrabi	7
Monawar Rawshan	7
Mateen Shazad	8
Murad Murad	8
نجيب الله همراز	8
Ali Bik Mohammad Bik	8
Merajedine Sarkhosh	9
Mansoor Nazari	10
Feda Faez	10
Abuzar Kabuli	10
داد خدا اديب	11
Farid Faez	11
Haqdad Mohammad	11
شيما مهجور	12
Anwar Aryan	13
Sayed Naqeeb Jafarian	13
Narvand Roshaan	15
Ahmad Ali Sayed	16
Tawakal Bawari	17
Falak Sepehr	17
سيمای شغنان	19
Nowrooz Ali Suhrabi	20
Ali Pamir	20
John Kargar	21
شاعران معاصر افغانستان	21
Fahim Farahmand	22
Nazar Munavar	23
Azam Khrosh	23

Murad Murad	24
Nasir Norozi Dabaghpour.....	25
ایلچی بیک حرکت	26
Tourism of Badakhshan	27
انستان	27
Qayume Zohori.....	29
Mehro Walizada	29
Ferooz Dehqan Chardewal.....	29
Ferdaws Zaki.....	30
Sayeed Azizullah Mohebey	30
Nasir Sultani	30
Gh-Rabbani Dihzad	31
عباس خوش عمل	31
بهروز هرمس.....	32
Jumakhan Darwishi.....	33
Karim Nawjoo.....	33
Abdullah Kargar	33
Hamdard	34
Wahid Atah	34
کلیم الله همسخن.....	34
Gulnazar Farhad	35
Aref Nejah	35
Imran Gouhari	35
Masjidi Qazizada.....	35
Es'haq Muqbel.....	36
Hijrat Hassan	36
Beltoon Zadran	37
Feda Muradi	37
Mirmurad Nadri.....	38
Natiq Noori.....	38
Idriss Hasan	39
Dawood Pazhman Pazhman.....	40

Shamspor FaraMarz.....	40
Mohabat Shah Jahani	41
Mohammad Azim Adel Sharifi.....	41
Iqbal Farhang.....	42
Rakin Sultana.....	42
Nahib Haidary.....	43
Narvand Roshaan	43
Farid Jahani	44
Ibrahim Ibrahimi.....	44
Pahlavan Mujeeb Alizada.....	45
Dawlatbik Sakhizad.....	45
Azada Froogh.....	45
Khaldar Naseri	46
Ziman Rawshan	46
Noor Ali Karimi	47
Farrukh Hadi.....	47
Bahram Mirzada	48
Shahla Pamirzad	48
Khoja Rahmani	48
Khoja Rahmani	49
Sayed Haidar Kashani	49
Hossayni Hassanyar	49
Rostam Lashkari	50
Qahar Nayebi	51
Arwin Rahi.....	51
Mir S. Mirzada	51
John Kargar	52
Qurban Ali Mashar.....	52
Susan Torabi.....	53
Nasir Norozi Dabaghpour.....	53
Mirwais Afzali.....	54
Latif Atai.....	55

Nawrooz Ali Sabiti.....	55
Bakht Begum Sherzai	56
Farid Ghalib	56
Mutaleb Zahoori.....	57
Bahman Zaraksh	57
Ahmad Jawed	57
Mohibali Shirzad.....	58
Farid Jahani	58
Aman Hussaini.....	59
Quwat Nero.....	59
شېما مهجور.....	60
Raziullah Sadid	62
Malik Waqif.....	62
Qurban Ali Mashar.....	62
Waheedullah Ghalib	64
Humans of Pamir	65
Nazar Faez	66
Yarhussain Shughni.....	66
Aqlimah Sakhizad	66
Dennise Shughni.....	66
Nawid Asas.....	67
سحر فايز.....	71
بانو ترکمن جمعه زاده.....	71
Ahmad Faez.....	72
سحر فايز.....	72
Sümäñ Fäëz	72
Guldasta Aman Shaheidi	72
Mazhab Shah Zahoori	73
Gulnazar Farhad	74
Nawroz Ali Sabiti.....	74
Farrukh Hadi.....	76
Nawid Asas.....	76

Ghazal Faez	77
هاجر مهرگان	78
ملیحه آرم	78
عبدالنظر فارق	78
محمدالله فاطمی	79
میر عزیز قربان خیل	79
نورالهدا رهیاب	79
میر مست میرزاد	80
داد خدا ادیب	81
ایلچی بیک امیری	81
Ziauddin Zia Mohammad Ghulam	81
Khanali Badakhshee	81
تصاویر	82

سوگنامه مرحوم صفر محمد فایض، شاعر جوان بدخشان زمین

Waheedullah Ghalib

June 05, 2017

انا لله و انا اليه راجعون

صفر محمد (فایض) فرزند نظر محمد (فایض) متولد سال ۱۳۸۱/۸/۲۸ در قریه شدوج ولسوالی شغنان ولایت بدخشان، دوره ابتدا تا لیسه را در مکتب لیسه شدوج – شغنان به پایان رسانده. در سال ۱۳۸۱

شامل فاکولته ادبیات دانشگاه کابل گردیده بسویه لیسانس از آن فاکولته فراغت حاصل نموده و تحصلات فوق لیسانس را در دانشگاه دویس بورگ ایسن آلمان بپایان رساند.

از سالهای نوجوانی به اینطرف با علاقه خاصی که به شعر داشت اشعار متعددی را در قالب های مختلف سروده بود که اخیراً نمونه اشعارش در کتابی تحت عنوان شاعران معاصر شغنان که توسط محترم اقبال احسام تهیه گردیده بچاپ رسیده اند.

اینکه این دنیا مکان ابدی انسان ها نمی باشد صفر محمد "فایض" نیز مهمان چند روزی بود و در دوران جوانی بسن ۳۵ سال - ۹ ماه و هفت روزگی اش بتاریخ ۵ - جوزا - ۱۳۹۶ دنیای فانی را وداع گفته و به ابدیت پیوست.

جایش بهشت برین و یادش جاودان.



انالله وانا الیه راجعون

تو ات نا تیوج ات تو ات خو نوم چود جاودون
 فد تو گاپ شیرین تو حرف ات هم زبون
 تو ات نه تیوج ات تو ات غل ات ماش خیز مدوم
 تو ات دل اند ات یاد درون ار ماش روون
 تو ات نه تیوج ات تو ات خو دفتر چود چست
 داژ تو عمری صفحه ینین کام اکث کام فد جوون

June 06, 2017

گوهر از خاک بر آرند و عزیزش دارند بخت بد بین که فلک گوهر ما برده به خاک

اندوه ما در غم از دست دادن ان عزیز بزرگوار صفر محمد نظری فایض در واژه ها نمیگنجد تنها میتوانیم از خداوند آرزو میکنیم که وسعت صبر خانواده ی این شاعر شیرین کلام و جوان با عزت دیارم به اندازه ی دریای غمشان باشد و برای آن مرحوم روحی شاد و آرام طلب کنیم.

Monawar Rawshan

June 07, 2017

با دل پر از حسرت و درد ، با چشمان آلوده به اشك و با تأثر و تألم عمیق که کرانه را نمیپذیرد برفیق فرزانه و دوستداشتنی ام "فائض" بزرگ و تمامی اهل خانواده و بگفته ی استاد علی "سالك بخودم و خانواده ام که بدون شك باندازه ی شما داغ داریم عرض تسلیت دارم پهنای غم را هم اکنون دل غم دیده میدانم رفیقی را از دست داده ام که تصور آن کرانه ندارد لذا خواستم این تأثر خویش را در قالب این چکامه ی کوچک حضور شما به عنوان نماد هدیه به روح پاک مرد سخن "صفر جان" فائض" تقدیم نمایم اگرچه حواسم آنقدر ها پرت بود که نمیدانستم چه بنویسم ولی با نوشتن این چند حرف جسته و گریخته لحظه ی آرام گرفتم.

گل واژه های یتیم

ز ، زندگی هوسم پیر شد ترانه شکست
امید زندگی بی تو دل از زمانه شکست
فضای شعر و ادب تیره گشت در سوگ اش
قدی چو سرو غزل های عاشقانه شکست
کجاست شاعر دوران امید نسلی ما
جوانه ی ز گل شعر عاشقانه شکست
مکن تو عزم ، "صفر" ! ما و خامه تنهائیم
گمان کنم دلت از ما و این. زمانه شکست
به کشور ادب و شعر جای او خالیست
صد حیف مرغ چمن رفت و آشیانه شکست
برفت شاعرو، گل واژه ها یتیم شدند
دریغ مرد سخن شاعر یگا نه شکست
بیا که گریه ی خون سردهیم و ناله کنیم
مگو تو از دل "روشن" که جاودانه شکست

Mateen Shazad

June 06, 2017

نمیدانم از کجا شروع کنم و چه قسم بگویم و حتی توان گفتن را ندارم که بگویم. استاد بزرگوار صفرنظر فائض دیگر با ما نیست. ذهنم قبول نمیکند که دیگر من در برکه فیسبوک در ما بین دوستان خود او را نمیبینم بسیار زیاد غمگین کننده است. ولی باچشم پر از اشک باگلو گرفته و باقلب شکسته خود تنها گفته میتانم که روح شاد یادت گرامی. جای تأسف است که بهترین شاعر خود از دست داده ایم او نه تنها شاعر بود ولی او در پهلوی شاعری او ادیب، نویسنده، آواز خوان، گلکار، نجار و صدها هنری دیگری هم در خود داشت. و این ضایع بزرگ نه تنها برای فامیل نجیب از او بود بلکه این یک ضایع بزرگ بر مردم شغنان بلاخره بری افغانستان است. از شخصیت عالی برخوردار بود. و من از خداوند متعال برای اعضا فامیل نجیب و دوستانش بشمول خودم صبر جمیل استدعا دارم. باز هم میگم روح شاد یادت گرامی.

Murad Murad

June 05, 2017

نمیدانم از کجا آغاز کنم حال خوش نیست میخواهم بنویسم اما دستانم به مشکل مرا یاری میکنند بغض گلویم را چنان می فشارد دست و پایم سستی میکند سرم گیج و نفسم میگیرد از خاطر از دست دادن این جوان نا مراد همدوره تحصیل دانشگاه ام دوست و برادر صمیمی ام شاعر شیرین کلام و توانا صفرنظری فایض هر روزیکه صفحه انترنیتی را باز میگردم سر میزدم به صفحه فایض عزیز و پست های شعری اش را که از ساخته های خودش بود مطالعه میکردم ولذت میبرد و ولی باکمال تأسف گلهای شعری اش پرپر شد. تحمل از دست دادن این چنین جوانان با افتخار چقدر سخت است ولی چیزیکه رضای پروردگار عالم است ناگزیر پذیرفت و جز صبر و تحمل چاره نیست. روح پرفتوح صفر عزیز شاد و یادش همیشه در بین دوستان شعر و ادب گرامی و جایگاه ابدی اش فردوس برین باد برای استاد بزرگوار محترم نظر محمد فایض و تمام اعضای فامیل اقارب و دوستانش عرض تسلیت نموده از بارگاه ایزد متعال برایشان صبر جمیل و شکیبایی استدعا دارم.

قالو انالله وانا اليه راجعون

نجیب الله همراز

June 06, 2017

گلی ایکه شغنان ما به شمول بدخشان حتی افغانستان سرش افتخار داشت خداوند کریم صفر محمدجان از ما گرفته هیچ تصویری که این گل خود را تا ابد از دست بدهیم اما تقدیر الهی است روحش شاد یادش گرامی جنت الفردوس جایش باد و بر باز ماندگانش خصوصاً بر اعضای فامیل نجیب و شریف اش صبر جمیل تمنا دارم

Ali Bik Mohammad Bik

June 06, 2017

با درد و دریغ خبر نا بهنگام و استخوانسوز را که نمیاید درین برهه زمان می شنودم ؛ براساس ظلم و موقع ناشناسی تقدیر ؛ شفقتم ؛ خبر شدم که قلب پر توان ؛ آگنده از عشق و محبت ؛ سخن سرای بی بدیل و شاعر تکرار نشنونده ی معاصر صفر فایض از فعالیت باز ماند و بدون وداع از دوستان همدل و همطبع و اقارب و خویشاوندان سفر ابدیت را بر گزید . مسلمان خاموشی نفس مرحوم باعث ذیقی نفس فرهنگیان و ادیبان کشور گریده و قلب هر انسانیکه حد اقل یکبار بوسیله ی نوشته آثار بدیع و ظریفش با ایشان رابطه گرفته باشد ؛ خون چکان و دارای ضربان نا منظم خواهد بود ؛ من لاف نمیزنم که قلب من به اندازه ی گرانقدر - دانشمند فایض صاحب بزرگ - استاد بزرگوار ما - جریحه دار و ناقرار شده ؛ ولی این را گفته میتوانم که این درد - درد عزیز ترین کس برای من بوده . من در قدم نخست به تمام خانواده های فرهنگی و علمی وطن - به تمام شعرا و نویسندگان ریالستیک وطن - به تمام حقیقت گرایان و مبارزین راستین حق بر باطل ؛ نبود این شخصیت فرهیخته زمان را از عمق دل تسلیت عرض میدارم .

در قدم دوم با شکوه فراوان از تقدیر ؛ این حادثه نا بهنگام و بی موقع را به تمام اهل و بیت فایض صاحب گرامی - تمام خانواده ی خودم (که همانند فرزند او رادوست داشتند) و به تمام بستگان - دوستان و دوستدارانش از صمیم دل تسلیت میگویم . مزید بر آن روح پر فتوح و سرشار صفر - نوسفر را شاد میخوام و خاطرات نیک و انسانی اش را در اذهان و قلوب دوستان و دوستدارانش همی ماندگار و زنده آرزو میبرم - رحمت ایزدی نصیب این نو گذشته باد!

فایض صاحب محترم درین اندوه بزرگ با تمام احساس ؛ نه تنها من ؛ بلکه تمام دوستان همدل با شما شریک اند و هر کدام به اندازه ی توان این غم را با شما تقسیم میکنیم . یقین دارم فهم و درک شما نسبت به تمام پدیده ها- خوشی ها و اندوه و پیروزی ها و ناکامی ها بالاتر از من و امثال من است . صبر سرور است ؛ صبر و شکیبایی همی با شما و خانواده ی تان باد!

Merajedine Sarkhosh

June 06, 2017

مو کهلند که یئ تهم وُبن رید
 دئ لودین توید گه تهم (فایض) مو کهلند که یئ تهم وُبن رید
 مو زارڈ سوت سوست مو یوبنک در تید مو کهلند که یئ تهم وُبن رید
 نه چوڈم وز اچٹ باور یئ چئ گھپت یئ چئ حرفین
 خوبٹ وینتم وئ عکسین وز مو کهلند که یئ تهم وُبن رید
 وزم حیروئی زار لپ قین اچٹم وز نه قڈج دسگه
 تو چس تقدیر خو کار قا چود مو کهلند که یئ تهم وُبن رید

از شنیدن رفتن نا به هنگام شما خیلی رنجور شدم. رفتنت نه تنها اهل و تبارت را به سوگ نشاند بلکه اشک را در چشمان همه همچو باران روان کرد...
 اگر چه تسلیت واژه اندکی است در برابر این اندو بزرگ ولی ما را همین است و بس..
 برای شما از درگاه خداوند متعال بهشت فردوس و برای بازمانده گانت صبر و شکیبایی استدعا دارم.
 انا لله و انا اعلیه راجعون.

Mansoor Nazari

June 06, 2017

تو رفتی بعد از این شعر تو ناکار می ماند.
مرگ زود هنگام بچه خاله ام صفر جان "فایض" بسیار نا باور و تکان دهنده بود، این حادثه همه ما را در سکوت انداخت، و هیچ باورم نمیشد که دیگر صفر با ما نیست. برادرم مرگ تو یک ضایع بزرگ بر ادبیات فارسی و فرهنگ فارسی است که با رفتنت کاشانه آنرا به ماتم کشاندی و بنیاد شعر و شاعری را به لرزه در آوردی.
از خداوند بر برادر مرحومم جنت برین و بر باز مانده گانش صبر جمیل تمنا دارم..

Feda Fayez

June 06, 2017

شکست شاخه ی امیدتو برادر من
گلی امید ترا از زمانه می جویم
برادر مرحومم صفر نظری فایض به علت بیماری سرطان جهان فانی را وداع گفت.
روح شاد و یادت گرامی.

Abuzar Kabuli

June 06, 2017

باز گشت همه بسوی اوست.
خبر مرگ نا به هنگام شاعر توانا و فرهیخته مان، دوست نهایت عزیز و گرامی ام جناب صفرنظری فایض عمیقاً اندوهگین ام ساخت.
از خدای منان جایش را بهشت برین تمنا دارم.
روحش شاد یادش گرامی باد.

به کبوتران (.....) در بند

کبوتر در حوالی اش به دام افتاده از هر سو
طناب و لچک پایش به دام افتاده از هر سو
برای پر کشیدن وسعت آغوش دنیا کو؟
که طعم تند تلخی ها به کام افتاده از هر سو
سیاهی، روشنی آیینه گردانان روز و شب
کبوتر در دوبرختی اش به شام افتاده از هر سو
بناگوش گل از آواز تو خوش تر نخواهد ماند؟
کبوتر جعل شد این که به نام افتاده از هر سو
عجائب سرنوشتی بی دلیل آرامشت را بُرد
کبوتر خاص بود، حالا به عام افتاده از هر سو
پر پرواز را قیچی نمودند کبوتر جان
که برگ بال های تو به جام افتاده از هر سو

بهجام من، بهجامی که شبانگاه کیف می‌کردیم
شراب عشقِ مان این‌جا به‌وام افتاده از هرسو
صفر نظری فایض

داد خدا ادیب

June 05, 2017

برادر م صفر عزیز! با رفتنت قامت ما را خم ساختی، مادرت و تمام فامیل هایت در ماتم اند، می‌گیرند و می‌گیرند اشک باران خانه ات را مملو نموده است نمیدانم خود را قانع بسازم یا فیل ام را، هیچ‌تعمل دوری ات را نداریم و نمیتوانیم کرد، مهر و محبتت را در رگ رگ مان نهفتی و رفتی و هیچ فراموش شدنی ام نیست، نصحت های محبت آمیزت، شفقت و دوستی ات باتمام فامیل و اقارب به یادگار ماند، متحرم چگونه تحمل کنم نبودنت رفتن، هنگامیکه شعر و نبشته ات در شبکات اجتماعی پست میشد به خوانش می‌گرفتم عاشق آن لیاقت و استعدادت بودم مرور میکردم صدها مرتبه بارها میدیدم و میخواندم به دوستانم و افتخار میکردم، این همه افتخارات مان چی شد وای حسرتا از جدایی، از کمنت دادن اصلن بسی ام نمیکرد، از خوشحالی پراگنده بودم، چی شد این همه وای خدای من رفتن همه مان بسوی تو است، بهشت برین برت تمنا دارم برادر و دوست عزیز مه.

Farid Faez

June 06, 2017

افسوس که مرگ بیخبر میاید پیمانه که پر شود اجل میاید
هر خوب و بدی که کرده ای در عالم فردای قیامت به عمل میاید
چرا کسانی که مهربانن زودتر میروند
چطور این غم را تحمل کنم کاش من بجای تو میرفتم برادر
آخرین غزلی از برادر مرحومم روحش شاد و یادش گرامی باد

Haqdad Mohammad

June 06, 2017

بعد از دو روز سکوت که بغض نا امیدی گلویم را گرفته بود امروز ناگزیر از خاموشی ابدی صفر عزیز به رضای حق تسلیم شوم که او دیگر در جمع ما نیست و در سوگ نشستن فقط صبر میخواهد و دروازه نمیکند. من خاموشی این شمع را به استادیزرگوار فایض، یار حسین، شنبه بشردوست، راز محمد ووالیده مهران و متباقی اعضای فامیل محترم تسلیم عرض نمایم و برای مرحوم روح شاد و آرام طلب دارم، او عزیز همگان بود، او در وقت کم نتوانست در دل هوادار ان شعرش راه یابد. او ادیب، شاعر، نویسنده، دهقان، گلکار، نجار و هران چیزیکه زیور یک مرد را نشان میداد در خود داشت، او مرد هزارپیشه بود که خداوند او را بشکل رهنما و استاد خلق کرده بود، اما صد حیف که عمر عزیزش به خزان نرسید و پیرشد،

خاطرات او باهریک از همدیارانش جاویدانی خواهد باقی ماند.
روح شاد باد

شیمای مهجور

June 06, 2017

چرا می گویند راه زندگی دراز است ؟
آخر همگان که یکسان عمر نمی بینند ؟ عده ای زندگی را تا آخر میروند و اندی هم تا نیمه های راه میروند و کسانی هم در شروع می انجامند .
" صفر نظر فایض " شاعر جوان که چون عقاب اوج پرواز و اژه های شعرش در آسمان هنر و ادب و دنیای شعر قله های موفقیت را پیموده بود و لیک چه دردناک و دریغ که مرگ او را درید و در دیار غربت و بیماری ناسور سرطان با آرزوهای بزرگ اش و با شعرهایی که هنوز هم در بطن احساس اش نفس می کشید به دیار ملکوتی پیوست ...
با دریغ و افسوس چه زود عزیمت دورها را کرد و او با این همه افکار ناب اش دراز راهی را باید میرفت

...
با شنیدن خبر دردناک مرگ اش ساعت ها در جایم میخکوب ماندم و حتی قطره های اشک هم در گونه هایم سنگینی این درد را از گلیم دور نکرد . او یکی از بهترین شاعران دیارم و دوست نهایت خوب و مهربان من بود که سالیان درازی از طریق دنیای مجازی با او آشنایی داشتم و هر بار پای سروده هایم صفایی میبخشید .
اخ مرگ ...! مهمان ناخوانده که این روزها درب قلب هر هموطنم را با بیرحمی می کوبد و در سوگ شان همه مان خون می گرییم ..
..فایض عزیز ... امروز تو رفتی و فردا من میروم و کس دیگری ... عمری زیستن و در دل هاراه پیمودن و یکروز و در یک لحظه همه را ترک کردن , اینست حکم تقدیر همه ء مان ...
شور سفر همه را فرا میگیرد و دوستان و عزیزان و فامیل را به سوگ می نشاند .
چه تلخ است نبودت و خاموشی ات و سکوت ابدی ات در عین جوانی ات ...
در سوگ ات مانند دیگر دوستان و اندوهگینم و چنین ضایعه بزرگ ادبی را در هر شعر و قلم مان فریاد گر خواهیم شد , چون تو با همه سرشت پاک و نیکویی ها رخت سفر بستی ... و تو جاودانه ایی ...!
و یاد تو در هر شعرت و غزلت با ما نفس می کشد و تو آرام بخواب و جایگاه ابدی ات پر نور باد ای عزیز که مرگ ات را باورش سخت است .

...
ش. مهجور . بلجیم

...
آخرین غزل و آخرین ورژن 2016

در این شبها رفیقم شعر و گیتار است می دانی ؟
برایت در دل من قصه بسیار است می دانی ؟

به روی تخت خوابم می‌کشم تصویر رویت را
شبان‌گاه چشم من بی‌وقفه بیدار است می‌دانی؟
دل من گریه دارد، درد دارد، غصه‌ها دارد
درون سینه قلبم سخت بیمار است می‌دانی؟
تو مثل سایه نزدیک منی، این بخت بد اما
میان ما دوتا صد پله دیوار است می‌دانی؟
تو مجنون خودت در این حوالی می‌توانی یافت
سرم در کوچه و در روی بازار است می‌دانی؟
اگرچی از رسیدن تا تو حالا ناامیدم من
ولی تلقین دل یک لحظه دیدار است می‌دانی؟

Anwar Aryan

June 06, 2017

برادرم صفر جان !
چه زود از این جهان رخت سفر بربستی و رفتی .
حالا ما مانده ایم و خاطراتت و یک دنیا اندوه.
روح شاد برادر عزیزم و یادت همیشه در خاطرمان ...

Farid Jahani

June 06, 2017

آخرین پیام هایکه با برادر عزیزم صفر
(نظری) فایض داشتم بعد از این پیامها دیگر نتوانستم که صدایشان را بشنوم خیلی درد آور است تو
رفتی و همه ما را داغدار ساختی روح شاد و جاییت بهشت برین باد!

Sayed Naqeeb Jafarian

June 06, 2017

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ.
یعنی، همان کسانی که چون بلا (مصیبت) و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوک خدایم و یقیناً به سوی
او باز می گردیم.

بدون شک بزرگترین بلا و مصیبت آن خواهد بود که خانواده یکی از عزیزانش را از دست دهد. جز
تحمل، صبر و شکیبایی چاره ای دیگر نیست. آمدن و رفتن انسان ها یکی پی دیگر از مقتضیات الهی است
که چنین قاعده را برای بنده گانش قرار داده است و این راه را هر کس در وقتش می پیماید و راهی ابدیت
می شود که آخرین جای تعیین شده انسان است.
چنانچه یکی از بزرگان فرموده « مردن نابود شدن نیست بلکه دریچه زندگی جدیدیست برای انسان باز

می شود»

همچنین پیشوای معظم ما حضرت امام عصر و حاضر می فرماید: «به یاد داشته باشید که زندگی در این دنیا ابدی نیست، بلکه گذرگاه کوتاهی است به سوی زندگی ابدیت». خانه و کاشانه اصلی انسان در این عالم نیست چون هر چیزی انسان بدست بیاورد موقتی و زود گذر است و یکی از نیازهای جامعه ای انسانی می باشد. و بلاخره رفتن به جانب ابدی راه آخری انسان هاست. گریزی نیست، راه فراری وجود ندارد در برابر اراده و خواست پروردگار. در اصل ما انسان ها در دنیا مانند مسافری بیش نیستیم، چنانچه شاعری می گوید:

یکی خط است از اول تا به آخر

بر او خلق خدا جمله مسافر

ساعت ۱۳:۳ عصر روز دوشنبه

خبر مرگ نا به هنگام شاعر شیرین کلام، ادیب و نویسنده چیره دست جوان «صفر محمد نظری فائض» را شنیدم همه چیز برایم تاریک شد، اشک در چشمانم سرگردان، قلبم به سرعت به تپیدن گرفت و توازن فکرم دگرگون شد.

باور کردنی نیست که تو رفتی و نامت ماند چرا جاییت را خالی گذاشتی در میان شعرا و ادبا، همه را مشتاق و شیفته نظم و نثر ساختی و رهایش کردی. خدایا! این چه حالی است؟ چه نظم و نظام را آفریدی؟ چه طبیعتی است؟ ای طبیعت شاعر بی آلاش، ادیب توانا نویسنده معروف یعنی صفر فائض را بلعیدی قلمش را توقف دادی، وای وای چرخش استعدادش را از حرکت باز داشتی. خطه باستان شغنان دیگر همچون غزل سرا زبردست و مخمس آفرین توانا (نظری فائض) را که با ظرافت و لطافت می سرود و می نوشت نخواهد یافت.

با رفتنت همه را از آمریکا تا اروپا و تا آسیا غمگین ساختی و اشک می ریزند، گریه دارند دست بر دست می مالند و می فشارند فریاد زده رفتی رفتی و بر همیشه رفتی دیگر باز نخواهی آمد. صد ها افسوس، صد ها وای وای، صد ها و صد ها دریغ به دنبالت سر زده.

تقدیر بگوئیم و یا قسمت خوانیم به کدامین باورش کرد. رفتنت یک ضایعه اسف انگیز ای متفکر تازه کار برای خانواده شعر و شاعری و نویسنده و نویسندگی با آن سن کم، عمر ارزند و شریفت را در سرآیدن بهترین دوبیتی ها، چهار پاره، مخمس و غزل که نصائح، وحدت، برابری وقف کردی و همه استعداد ها را از نجاری تا معماری، از رسامی تا نقاشی و از شعر تا شاعر در وجودت لفیف و آمیخته بود. با رفتنت ثلمه ای وارد شد بر دامن هنر و ادبیات فارسی و دری. متأسفانه با نظر فائض فقید آشنایی و معرفت کاملی نداشته ام و از نزدیک او را ندیدم تنها از طریق شعر و نوشته های آموزنده و روانبخش و نصائح معرفت حاصل نمودم. و دریافتم که او (صفر فائض) با قلم روان و فکر توانا در تحلیل و تجزیه و نقد و قدرت بیان کم نظیر بود.

بله، بیاید سر بز نیم که شاعر جوان و نویسنده تازه که با خواندن نظم و نثرش به ذهن هر خواننده روشنی و قوت می بخشید، فکر و دماغ را تازگی می داد که زندگیش از کجا آغاز شد و در کجا پایان یافت.

صفر محمد نظری فائض فرزند استاد نظر محمد فائض، ۳۹۹ سال قبل از امروز در قریه زیبا شدوج،

ناحیه شغنان، بدخشان در یک خانواده منور و روشنفکر تولد یافته است یعنی درست در سال ۱۳۵۷

خورشیدی برابر به ۱۹۷۸ میلادی.

و بعد از سپری نمودن شش سالگی و آغاز هفت سالگی شامل لیسه شدوج گردید در جریان تحصیل در مکتب زادگاهش به حرفه نجاری و معماری آشنا و بلد شد و گاه گاهی به همدیارانش خانه می ساخت و در کلکین (پنجره) جور می کرد و دست خیرش به جانب هموطنانش دراز بود. در سال ۱۳۸۱ شمسی مصادف با ۲۰۰۲ از صنف دوازدهم فارغ گردید در این سال وضعیت افغانستان با آمدن جامعه وجهانی به کشور با استقرار یافتن حکومت مؤقت شرایط برای تحصیل آماده شد و شاعر فقید فائض کوچک در

امتحان کانکور همان سال اشتراک ورزید و موفقانه به دانشگاه کابل که یگانه نهاد معتبر مملکت ما است راه یافت و بعد از چهار سال، سال ۱۳۸۴ خورشیدی مطابق ۲۰۰۴ میلادی از دانشکده زبان و ادبیات (آلمانی) به درجه لیسانس فارغ التحصیل گردید.

و بعد از فراغت در مزارشریف بکار شروع کرد و بعداً راهی اروپا (آلمانی) شد آنجا در یکی از دانشگاه های آلمانی به تحصیلات پرداخت درست اطلاع ندارم که مدرک فوق لیسانس خویش را بدست آورد یا نه و در چه رشته ای تحصیل نمود. این فرزند برومند بی استثنی و کم نظیری بود. رفت به ملاً اعلی پیوست خدایش رحمت کند و دعا کنیم پروردگار رو حش را شاد داشته باشد و در جوار خدمتگزارن بزرگ جاگزینش فرماید.

برای استاد فائض و خانوادهش و جمیع دوستانش تسلیت عرض نموده و از خداوند لایزال برایشان صبر و شکیبایی و طول عمر مسئلت دارم.

Zarif Moh

June 06, 2017

استاد نهایت عزیز و بزرگوار فائض صاحب گرامی، اندوه بزرگ از دست رفتن پسر بزرگ تان مایه غم و اندوه همه دوستان است، از خداوند منان استدعا دارم تا به برکت ماه مبارک رمضان روح مرحوم را شاد و بهشت برین را جایگاه اش گردانیده، برای شما، دوستان و فامیل محترم صبر جمیل اعطا فرماید.

Amanullah Habib

June 06, 2017

برادر گرانقدر و گرامی جناب فایض صاحب! درگذشت نابهنگام مرحوم مغفور پسر شما صفر محمد فایض را خدمت شما، خانواده محترم و دوستان تسلیت عرض نموده و خود را به این غم جانگداز شریک دانسته، برای مرحوم بهشت برین استدعا مینمایم. روحش شاد، یاد و خاطراتش در قلب همه دوستان برای همیشه گرامی باد!

مجدالدین محمد نزهت یفتلی

June 06, 2017

استاد فایض گرامی متاثرم از وفات پسر دلبد تان صفر قایض عزیز. من با شما در سوگ آن عزیز متالم و اندوهگین هستم. به شما و اهل خانواده و دوستان تان از خداوند منان صبر جمیل و اجر جزیل ارزو مندم. روان مرحومی شاد و یادش گرامی باد.

Narvand Roshan

June 06, 2017

شنیدم وا دریغا شاعر شیرین بیان رفته
صفر آن "فایض" پُر فیض با خلد جنان رفته

دریغا وا دریغ اینسان فلک با وصف بی مهری
بود حیران جوان با خرد با کاروان رفته
باهل دانش و فضل ادب بود افتخار اما
صفایی از دل و رنگ از رخ هر نوجوان رفته
به پیران نیز اسباب غم هجران شده پیهم
جهانی سوگوار آمد ز وی تاب و توان رفته

Mir S. Mirzada

June 06, 2017

سلام به تمام قوم های گرامی،
قسمیکه همه ی شما عزیزان اطلاع دارید، برادر و دوست نهایت عزیز مان و فرزند خلاق و پر فهم پامیر
زمین جناب صفر فایض گرامی همه ی ما و شما را با کوه ی از اندو و درد رها کرد و رفت که دیگر
هیچگاهی از اشعار بلند و صفات انسانی اش مستفید نخواهیم شد. بدینوسیله بنظم فعلن کوچکترین خدمتی
که از دست مان ساخته است این است که همه ی ما و شما چه در داخل و چه در خارج از کشور دست
بدست هم داده و به اندازه ی وصف و توان خود پول بریزیم تا اشعار ناب شادروان را جمع آوری و
به بهترین شکل ممکن طرح و دیزاین و به دست چاپ سپرده شود. بعد با تشکیل محفل مجللی این کتاب رو
نمایی شده و از فروش این کتاب بخاطر جاویدانه ماندن نام و یاد مرحومی کاری در شغنان زمین صورت
گیرد تا بقایی باشد برای آیندگان آن دیار.
اگر دوستان گرامی هم نظری کنند، بناء من از ز چند جوان فرهیخته و پر تلاش چون:

سید فرخ هادی
بهروز خاوری
سید عزیز علیشاه

و ...

آرزومندم تا برای برنامه ریزی درست و دقیق این موضوع سهم فعال بگیرند تا باشد اینگونه نام و یاد
شادروان صفر عزیز مانرا را گرامی نگهداریم.
بنده هم از کانادا شهر کلگری در خدمتم.
پ.ن.: عزیزانیکه با من آشنایی ندارند باید معرفی کنم که من نواسه ی دختری وکیل رحمت خان استم.

Ahmad Ali Sayed

June 06, 2017

زندگی را نقطه پایانی است اما غم را نه ، غمی که با از دست دادن عزیزت ترا فرا گیرد این غم نیز با
مرگ پایان میپذیرد واین زنجیر تا بی نهایت ادامه دارد و راه گریزی وجود ندارد . در گذشت شاعر جوان
و با استعداد صفرمحمد فایض همه ما را غافل گیر کرد ، گلی از بوستان شعر و ادب پارسی دری پرپر شد .
با مرگ صفر فایض ، فامیل ، خانواده ، اقارب ، خویشاوندان و دوستانش به سوگش نشستند واما دایره
نفوذ و شهرتش به مراتب بزرگتر است ، چون اشعار صفر با مفهوم بلندش در حال عبور از مرز های
کشور بود ، با دریغ و درد که مرگ برایش مجال و فرصت بیشتر نداد تا در این عرصه به نقطه مطلوب و
یا دست کم به این نقطه نزدیک شود .

مراتب تسلیت و همدردی خود را به پدر بزرگوارش استاد محترم نظر محمد فایض ، کاکایش محترم یار حسین شغنی و سایر اعضای فامیل، خانواده و وابستگانش ابراز میدارم برای آن مرحومی بهشت برین و به بازماندگانش صبر جمیل از خداوند متعال استدعا دارم.

Tawakal Bawari

June 06, 2017

گاهی از صفحه فیسبکم راضی هستم که اخبار معلومات آفاقی و مژده هنده برایم باز میکند اما ! یگان موقع خبر ناخوشایند، تکاندهنده و غیر قابل باور و تحمل را نابهنگام برایم با خود می آورد .

عادت دارم که مواد معلوماتی و مفید که منبع موثق تری داشته باشد ، بیشتر مطالعه میکنم . از چند صفحه عبور کردم که ناگهان چشمم به تصویر زیبا و همه پسند استاد صفر محمد فایض خورد و فکر کردم که مانند قبل شاید منظومه یی پست کرده و دفعتاً" مانند همیشه مسیر بینایی ام را به مصرع اول محتوا جلب کردم که یکی از دوستان شان خبر معکوس ماه های قبل را پخش کرده و از خداحافظی دایمی شان ، خبر داد.

مات مبهوت ماندم ، اصلاً" باورم نیامد به هر تقدیر ! خبر ناخوشایند باید شنید، باید دید و باید خواند که دوست و برادرم استاد، نویسنده، شاعر و اهل قلم شغنان زیبا را از دست دادیم آنهم در دیار غربت (جرمنی)

فردوس برین نصیب شان و تحمل و سلامتی نصیب خاحواده شریف و مخاطبان اشعارش.

Falak Sepehr

June 06, 2017

تحمل این همه غم کمر شکن است!
براستی که از دست دادن چنین ستارگان ادب و اخوت یک خالیگاه بزرگی را در جمع یاران باقی میگذارند
شخصیت فایض مرحومی را که هر قدر تعریف و تحسین کنیم، کم خواهد بود
وی یک مرد راستین، یک شاعر عاشق میهن و مردم و یک دوست نهایت مهربان و سخاوتمند بود، با اشعارش همیشه ما را به سوی اصلاح و همدلی ها و مهرورزی و عشق و گذشت راهنمایی میکرد
جایت همان باد که خود در آن خشنود باشی رفیق مهرآیین، رفتنت دلها را دردمند کرد
یادت تا ما هستیم زنده و تازه خواهد بود.

روح شاد فایض عزیزمان

کبوتر در حوالی اش به دام افتاده از هر سو
طناب و لچک پایش به دام افتاده از هر سو
برای پر کشیدن وسعت آغوش دنیا کو؟
که طعم تند تلخی ها به کام افتاده از هر سو
سیاهی، روشنی آیینه گردان روز و شب
کبوتر در دوبرخی اش به شام افتاده از هر سو

بناگوش گل از آواز تو خوش‌تر نخواهد ماند؟
کبوتر جعل شد این‌که به‌نام افتاده از هرسو
عجائب سرنوشتی بی‌دلیل آرامشت را بُرد
کبوتر خاص بود، حالا به‌عام افتاده از هرسو
پر پرواز را قیچی نمودندت کبوتر جان
که برگِ بال‌های تو به‌جام افتاده از هرسو
به‌جام من، به‌جامی‌که شبانگاه کیف می‌کردیم
شراب عشقِ مان این‌جا به‌وام افتاده از هرسو
صفر نظری فایض

Saida Pamirzad Hazhir

June 06, 2017

روز های سختی را هموطنانم می‌گذرانند مرگ پدیده است تلخ و درد ناک اگر در بستر گرم به سراغ انسان
بیاید ویابا آتش وحشت در روی سرك هاي کابل نثار مان گردد.
شنیدن خبر درگذشت جوان شاعر فرهیخته شغنان عزادارتر مان ساخت.
یادم است روزي شعري را در صفحه فیس بوک خواندم برایم خیلی دلنشین بود پرسیدم شاعر که
است پیامی دریافت کردم که نوشته بود این شعر از من است من از آن روز با صفر نظرفایض آشنا شدم
سری به صفحه اش زدم و از آن بعد خواننده اشعارش شدم. او را در نهایت جوانی مردی بزرگی یافتیم با
اندیشه والای انسانی که همواره پیام هایش را در زیباترین قالب شعري با نغز ترین واژه ها ابراز می کرد.
اری مرگش ضایعه است بی بدیل!!!
اما او ماندگار است در شعرهایش ، و یادش جاودانه تکرار میشود.
خواستم طبق معمول تسلیت نامه بنویسم هر قدر کوشیدم حرفی نیافتم که تسلی دل داغدار مادر پدر و
بستگان این جوان نامراد باشد. مرگ فرزند برای پدر و مادر زخم است نا سوز و دردیست بی دوا .
من قلبن متاثر و متاسفم و ابراز همدردی می کنم.

Khoja Rahmani

June 06, 2017

به اطلاع عموم وطنداران و دوستان مقیم کابل رسانیده میشود که قرار است نماز جنازه شاعر فرهیخته
صفر فایض فردا پنجشنبه ۱۸ جوزا ساعت دو بجه در جماعت خانه عمومی بر گزار گردیده و بعد در
حدیره تعیین شده به خاک سپرده میشود اشتراک شما را خواهانیم.
و فاتحه بعدا اعلان میگردد.

هریکی سیمای شغنان را ز دل یاری کنیم صفر محمد نظری (فایض) تا ابد پاینده ماند همت والای ما

با تاسف، اطلاع حاصل نمودم که شاعر جوان، پژوهشگر و نویسنده شغنان زمین دنیای فانی را وداع نموده است و اعضای فامیل و دوستان اشرا سوگوار نمود. من به نمایندگی از تمام منسوبین سیمای شغنان، مراتب تسلیت، غمشریکی و احترام خویشرا به جناب نظر محمد فایض، پدر بزرگوار، دیگر اعضای خانواده و دوستان تقدیم مینمایم و از دربار ایزد متعال برای متوفی بهشت برین، اسایش روحی و مغفرت استدعا مینمایم. برای اعضای خانواده و دوستان شان صبر جمیل خواهانم. مرحوم صفر محمد فایض، با سایت سیمای شغنان همکاری میکرد و وقتیکه از ایجاد سایت خبر شدند به همکاری اش آغاز نمود و دیگران را نیز تشویق کردند. اینهم شعر شان.

سیمای شغنان

یک قدم از ابتدا تا انتها شد راه ما
از دقایق پیشتر آید به صف سیمای ما
از مناقب تا خصائل کار نیک عالمان
موج تحسین کمال و رفعت دنیای ما
قدر ابداع تو بسیار است ای مرد خرد
بر جهان روشن نمودی مسکن و محوای ما
زمره اتباع دانش پرور شغنان من
با تلاش بی درنگ اندر پی معنای ما
از ادیبان تا حکیمان مشعل نوری بدست
تا رهی هموار یابد دیده بینای ما
مادانانت مایه ایم از ثروت اجداد خویش
این قبیح اندیشه است سرماییه ابد ما
با مساعی بر ستیغ علم میباید رسید
ورنه کس را نیست اندک از تعب پروای ما
تابکی پخسان با افکار باطل زنده ایم
بر فلک کی میرسد هنگامه آوای ما
شکر، مردان خرد داریم با افکار نیک
از بساط علم شان پر لاله است صحرای ما
بخت بهروز و سعادت باد دایم در نصیب
تا ز عرفان پهن گردد بیشتر پهنای ما
ریشهء تزویر را از بیخ و بن باید بُرید
ایمن و اقبال است آنکه رفعت بالای ما
هر یکی سیمای شغنان را ز دل یاری کنیم
تا ابد پاینده ماند همت والای ما

چون ز خودسازی بخودکامی رسیدن همت است
پس نباشد بسته با زنجیر دست و پای ما
(فایضا) یک قطره ای از گوهر دریای خویش
بحر میجوید خوشا این گوهر دریای ما
سراینده: صفرمحمد (فایض)، سال ۱۳۹۱
اشعار نشر شده در [سایت](#)

Nowrooz Ali Suhrabi

June 06, 2017

گوهر از خاک بر آرند و عزیزش دارند
بخت بد بین که فلک گوهر ما برده به خاک
اندوه ما در غم از دست دادن ان عزیز بزرگوار در واژه ها نمیگنجد تنها میتوانیم از خداوند آرزو میکنیم
که وسعت صبر خانواده ی این شاعر شیرین کلام و جوان باعزت دیارم به اندازه ی دریای غمشان باشد و
برای آن مرحوم روحی شاد و آرام طلب کنیم.

Ali Pamir

June 06, 2017

با غم و تأثر و اندوه فراوان صفرنظری (فایض) را دیگر در میان خود نداریم.
صفر نازنین ما نیز با هزاران ناگفته هایش به ابدیت پیوست. شاعر گرانمایه زاده شغنان - افغانستان در
اثر یک بیماری سرطان که از چندی به این طرف آزارش میداد در آلمان داعی اجل را لبیک گفت. روحش
شاد و یادش گرامی.

ای دوست ای رفیقی که بودی به دل قرین
پیمان ما نبود، روی بی خبر چنین
ما را قرار و بود به دیدار هم رسیم
نا دیده، دیده کور نمودی دلم غمین
از شعر ناب و طبع تو سر شار می شدم
ای فائض عزیز، تو کمیاب و بهترین
بغض گلوی مولوی، حافظ و خیام
در واژه های نغز تو بودست جا گزین
دُر دری، گنج سخن در کلام تو
حقا چو طمع شه کند کام دل شریں
اخبار مرگ تو کجا دل کند قبول؟
بر گوش آسمان کند ناله ام طنین
"تتویر" در دیار غریبی به حیرت است
درد تو را کشد و یا درد سر زمین

اصغر تتویر

John Kargar

March 22, 2015

هدیه نوروزی به مادر عزیزم:
مادر به طبع عادت خود کودکانم هنوز
شوخی به زیر بال و پرت عادتت هنوز
مادر حریم گرمی آغوش تو کجا ست
این جان طفل یخ زده از مهر تو جداست
مادر به خاک پای تو من سجده میکنم
با آب دید خاک رخت روضه میکنم
دور از کنار مادر خود خسته خسته ام
در مهره های حلقه زنجیر بسته ام
مادر حریم گرمی گهواره ی من است
پیرایه ها و زینت شاهنامه ی من است
مادر خیال روی تو تصویر می کشم
آنها به پیش دیده ی تقدیر می نهم
گاهی به ساز "غصه دل" گریه ها کنم
سیلاب اشک رخنه من از دیده ها کنم
مادر ترانه های تو در گوش من هنوز
تمثیل قصه های تو در هوش من هنوز
دست شرف به گونه ی تصویر من بکش
ما را برای فرقت تقدیر ما ببخش
(عکسی) که در فراخی دیوار خانه است
آنی که در نگاه تو از من نشانه است
آخر بیاد روی تو دیوانه میشوم
با سوژه های عاطفه ویرانه میشوم
این چند مصرع را به تو پیغام می کنم
صد بوسه ها بدست تو انعام می کنم
مادر به شعر من نشود لطف تو تمام
وصفت هزار صفحه کند زینت کلام
سرودگر: صفرنظری "فایض"

شاعران معاصر افغانستان

October 20, 2015

نگاه به تصویر تاریخ

نقش یک تصویر ساکت بر دل دیوار چیست
لوح صورت نرخ خرمنگاه هر بازار چیست
با چرند لحن "قانون" یک کتاب از دست رفت

هر دهن کج را سخن از مطلب گفتار چیست
هی، اسارت در غلاف مشت استبداد نه
خودفروشی را دلیل آوردن از "ناچار" چیست
در عمل اندکترین عهد شما ثابت نشد
این همه حرفیدن و لافیدن بسیار چیست
خواب این تاریخ ما از پنج هزار سال هم گذشت
در نهایت از رمق این فرصت "بیدار" چیست
آسمان از هیبت بیداد ما دلتنگ شد
افتضاح در پرده از پیشینه‌ی کردار چیست
طینت از آلودگی چون نعش سگ‌ها بو گرفت
قلب کوچک دفن‌گاه نطفه‌ی مردار چیست
نسل باروتم، مرا از بوی گندم عطر کو؟
لاله در آزادگی با یک دل خونبار چیست
صفحه‌ی تاریخ من عمق سیاهی بیش نیست
رغبت اسطوره‌سازی در صف آمار چیست
هرچه خواندم، قفل رمز این معما وا نشد
آن طلسم کهکشان در برگ این تیمار چیست
صفر نظری فایض شاعر معاصر افغانستان

Fahim Farahmand

January 17, 2016 ·

نسل جوان!

سکونت بشکن ای نسل جوان راه آزادی
وبشکن ظلمت شب رابه‌م ای ماه آزادی
به اقبال قدم هایت عدالت میشود تأمین
به صدشمشیرمی ارز دزبانت شاه آزادی
بس است این امتحان از کهنه تدبیران باتزویر
که مارا برده اند دایم بسوی چاه آزادی
کسی هم زور مشتت رادهانش تاب می‌آرد؟
توبشکن پوز عرصش ای عدالت خواه آزادی
ترک هار ابرزن پل درتن جغرافیای خویش
که تاهم وار گردد جاده درگاه آزادی
تومهد دانش و فرهنگ والای نیاکانی
وهی نستوه ترین شاگرد دانشگاه آزادی
بلندای عروج وهم ستیغ نسل فردها
بلوغ باورت اندیشه آگاه آزادی
"صفر نظری فایض"

شاعران معاصر افغانستان

June 05, 2017

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم
صداقت را به قدر لازمش در سینه کم داریم
ستون اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر
که تاریخ عدالت گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دورهی تاریخ مان را خون بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم
فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سیزینه کم داریم
مرحوم صفر نظری فایض

Nazar Munavar

June 05, 2017

با اندوه و الم فراوان این ضایعه جبران ناپذیر را برای استاد محترم فایض و خانواده شأن تسلیت میگویم.
بدون تردید درگذشت جوان رشید چون فایض فقید، این نخل پر بار باغ شعر و ادب، شخصیت اندیشمند و
رسالتمند و تحلیل گر حقیقت گرا فامیل، اقارب، دوستان و تمام دوستدارانش را در گلم ماتم نشانند.
آثار ادبی، فرهنگی و پژوهشی گرانبها و ژرف بینانه اش را برای همه ما هدیه گونه به میراث گذاشت و
از این رو همیشه در خاطره ها جاویدان خواهد بود.
بر روح ملکوتی اش درود میفرستم و بهشت برین را از آفریدگار عالمیان التجادارم.

Azam Khrosh

June 05, 2017

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم
صداقت را به قدر لازمش در سینه کم داریم
ستون اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر
که تاریخ عدالت گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دورهی تاریخ مان را خون بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم

فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سبزینه کم داریم
مرحوم صفرنظری فایض

Murad Murad

June 05, 2017

نمیدانم از کجا آغاز کنم حال خوش نیست میخوام بنویسم اما دستانم به مشکل مرا یاری میکنند بغض
گلویم را چنان می فشارد دست وپایم سستی میکند سرم گیج و نفسم میگیرد از خاطر از دست دادن این
جوان نا مراد همدوره تحصیل دانشگاه ام دوست و برادر صمیمی ام شاعر شیرین کلام و توانا صفرنظری
فایض هر روزیکه صفحه انترنیتی را باز میکردم سر میزدم به صفحه فایض عزیز و پست های شعری
اش را که از ساخته های خودش بود مطالعه میکردم ولذت میبرددم ولی باکمال تأسف گلهای شعری اش
پرپر شد.

تحمل از دست دادن این چنین جوانان با افتخار چقدر سخت است ولی چیزیکه رضای پروردگار عالم است
ناگزیر پذیرفت و جز صبر و تحمل چاره نیست.

روح پرفتوح صفر عزیز شاد و یادش همیشه در بین دوستداران شعر و ادب گرامی و جایگاه ابدی اش
فردوس برین باد برای استاد بزرگوار محترم نظر محمد فایض و تمام اعضای فامیل اقارب و دوستانش
عرض تسلیت نموده از بارگاه ایزد متعال برایشان صبر جمیل و شکیبایی استدعا دارم.
قالو انالله وانا الیه راجعون

الماس بلخ

June 05, 2017

سوگواره، بمناسبت درگذشت استاد #عفیف_باختری
این غزل را صفرنظری فایض بعد از رحلت عفیف بزرگ سروده بود که بعد از چندی خود بسوی
عفیف شتافت تا با او درد دل و قصه های ناگفته را تکرار کند روح هر دو بزرگ مرد شاد و فردوس
برین جای شان باد...

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند

تو رفتی، سوژه‌ها از رونق بازار افتادند
زمین‌جنب است و آثار تَه دیوار می‌ماند
برای مرگِ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک‌بختان مدرک و آثار می‌ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی‌ها
درخت معرفت در شهر تان پربار می‌ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می‌ماند
صفر نظری فایض

Nasir Norozi Dabaghpour

June 05, 2017

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم
صداقت را به قدر لازمش در سینه کم داریم
ستونِ اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر
که تاریخ عدالت‌گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی‌معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دوره‌یی تاریخ مان را خون‌بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم
فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سبزینه کم داریم
مرحوم صفر نظری فایض

شیما مهجور

June 06, 2017

چرا می‌گویند راه زندگی دراز است ؟
آخر همگان که یکسان عمر نمی‌بینند ؟ عده‌ای زندگی را تا آخر می‌روند و اندی هم تا نیمه‌های راه می‌روند
و کسانی هم در شروع می‌انجامند .
" صفر نظر فایض " شاعر جوان که چون عقاب اوج پرواز و اثره‌های شعرش در آسمان هنر و ادب و دنیای
شعر قلّه‌های موفقیت را پیموده بود ولیک چه دردناک و دریغ که مرگ او را درید و در دیار غربت
و بیماری ناسور سرطان با آرزوهای بزرگ اش و با شعرهایی که هنوز هم در بطن احساس اش نفس می
کشید به دیار ملکوتی پیوست ...

با دریغ و افسوس چه زود عزیمت دورهارا کرد و او با این همه افکار ناب اش دراز راهی را باید میرفت

...

با شنیدن خبر دردناک مرگ اش ساعت ها در جایم میخکوب ماندم و حتی قطره های اشک هم در گونه هایم سنگینی این درد را از گلویم دور نکرد. او یکی از بهترین شاعران دیارم و دوست نهایت خوب و مهربان من بود که سالیان درازی از طریق دنیای مجازی با او آشنایی داشتم و هر بار پای سروده هایم صفایی میبخشید.

اخ مرگ ...! مهمان ناخوانده که این روزها درب قلب هر هموطنم را با بیرحمی می کوبد و در سوگ شان همه مان خون می گرییم ..

..فایض عزیز ...امروز تو رفتی و فردا من میروم و کس دیگری ...عمری زیستن و در دل هاراه پیمودن

و یکروز و در یک لحظه همه را ترک کردن , اینست حکم تقدیر همه ء مان ...

شور سفر همه را فرا میگیرد و دوستان و عزیزان و فامیل را به سوگ می نشاند .

چه تلخ است نبودت و خاموشی ات و سکوت ابدی ات در عین جوانی ات ...

در سوگ ات مانند دیگر دوستانت اندهوگینم و چنین ضایعه بزرگ ادبی را در هر شعر و قلم مان فریاد گر خواهیم شد , چون تو با همه سرشت پاک و نیکویی ها رخت سفر بستی ...و تو جاودانه ایی ...!

و یاد تو در هر شعرت و غزلت با ما نفس می کشد و تو آرام بخواب و جایگه ابدی ات پرنور باد ای عزیز که مرگ ات را باورش سخت است .

...

ش .مهجور .بلجیم

...

آخرین غزل و آخرین ورژن 2016

در این شبها رفیقم شعر و گیتار است می دانی؟

برایت در دل من قصه بسیار است می دانی؟

به روی تخت خوابم می کشم تصویر رویت را

شبانگاه چشم من بی وقفه بیدار است می دانی؟

دل من گریه دارد، درد دارد، غصه ها دارد

درون سینه قلیم سخت بیمار است می دانی؟

تو مثل سایه نزدیک منی، این بخت بد اما

میان ما دوتا صد پله دیوار است می دانی؟

تو مجنون خودت در این حوالی می توانی یافت

سرم در کوچه و در روی بازار است می دانی؟

اگرچی از رسیدن تا تو حالا ناامیدم من

ولی تلقین دل یک لحظه دیدار است می دانی؟

ایلچی بیک حرکت

June 05, 2017

خدایا : من نمیدانم ، همه را تو میدانی ، کاش جان در جسم انسان علیالخصوص جوانان نهادهینه میبود و بمرگ بی هنگام محکوم نمیگردیدند و وابستگان و عزیزان شان را بر سر گلیم ماتم نمی نشاندند، مرگ

مرحوم ومغفور صفر نظری (فایض) از زمرهء چنین سفر های بر گشت نا پذیر ویکباره زندگی است که تمام تواناییهای ایجاد گری اش را توام با هزاران امید انسانی خود وخانواده اش را بدیاری دیگری انتقال داد ،خدوندا! صفر که به رضا وخواستت بطرفت سفر نمود آرزومندیم ،آنها بیمن خداوندی ات در صدر جنت مقیم گردانی وبرای اولیای آن وجمیع وابستگانش در قبال سف بی گشت ان صبر جمیل اررانی فرمایی .

Tourism of Badakhshan

June 05, 2017

ای بدخشان بر شکوه کوه و دامانت سلام
بر هوا و نکهت بوی گلستانت سلام
نورسان تو به تحصیل و هنر دل داده اند
بر کمال حاذق و درس دبستانت سلام
من هوس دارم تفرج لبالب آموی تو
بر غریو و شرشر هر آبشارانت سلام
آب صاف و بی غش آید از ته سنگات برون
قطره اکسیر آب چشمه سارانت سلام
نکته و بوی نسیم صبحگاهات جان فزا
بر فضای بی غبار صبحگاهانت سلام
از زمین سبز تو دایم نوید خرمی
ای دیار عاشقان فصل بهارانت سلام
بستر و سرمایه ام مهد حریر و نرم توست
بر رواق خوشگوارای شبستانت سلام
آشیان مرغ عنقا قلعه پامیر توست
بر ستیغ عرش سای کوهسارانت سلام
آسمانت فیض مند برف و باران است همیش
بر خروش کهکشان و ابر و بارانت سلام
حُب تو دارم به دل تا آخرین بند رمق
از صمیم قلب بر هر فرد انسانت سلام
صفر نظری فایض

انستان

June 05, 2017

با تاسف و اندوه فراوان اطلاع حاصل نمودیم که صفر نظری فایض شاعر شیرین کلام داعی اجل را لبیک گفت. اناالله انا الیه راجعون .
ای بدخشان بر شکوه کوه و دامانت سلام
بر هوا و نکهت بوی گلستانت سلام
نورسان تو به تحصیل و هنر دل داده اند

بر کمال حاذق و درس دبستانت سلام
 من هوس دارم تفرج لبالب آموی تو
 بر غریو و شرشر هر آبشارانت سلام
 آب صاف و بی غش آید از ته سنگات برون
 قطره اکسیر آب چشمه سارانت سلام
 نکهت و بوی نسیم صبحگاهات جان فزا
 بر فضای بی غبار صبحگاهانت سلام
 از زمین سبز تو دایم نوید خرمی
 ای دیار عاشقان فصل بهارانت سلام
 بستر و سرمایه ام مهد حریر و نرم توست
 بر رواق خوشگوار ای شبستانت سلام
 آشیان مرغ عنقا قلعه پامیر توست
 بر ستیغ عرش سای کوه سارانت سلام
 آسمانت فیض مند برف و باران است همیشه
 بر خروش کهکشان و ابر و بارانت سلام
 حُب تو دارم به دل تا آخرین بند رمق
 از صمیم قلب بر هر فرد انسانت سلام
 صفر نظری فایض

مژده خاکین

June 05, 2017

با تاسف و اندوه فراوان دریافتیم که جناب صفر نظری فایض شاعر معروف و محبوب کشور ما دیشب از
 ما فرسنگ ها دور شد و به جاودانه گی پیوست .
 برای فامیل محترم و تمام علاقمندان این بزرگ مرد و شاعر توانای کشور ما تسلیت عرض مینمایم .
 او رفت ولی با شعر هایش در دل و یاد مان زنده خواهد بود.
 تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
 فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
 تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
 که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
 برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
 سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
 چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
 که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
 تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
 زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
 برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
 بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
 تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
 درخت معرفت در شهر تان پربار می ماند

تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض

Qayume Zohori

June 05, 2017

از خیر درگذشت نابه هنگام دوست و برادر عزیزم صفر جان فایض بسیار متأثر و غمگینم از خداوند
بزرگ برای مرحومی جنت فردوس و به بازمانده گانش صبر جمیل استدعا مینمایم.

Mehro Walizada

June 05, 2017

مرثیه ی نسبت وفات دوست گرامی ام آقای صفر نظری فایض شاعر خوش کلام
و سخنور نیکو در جهان شعر و ادبیات کشور که روح اش را شاد و جنت برین برایش
میخواهم و به این وسیله به همه بازمانده گان اش صبر جمیل آرزو میکنم؛
رفتی و نقش پای تو در این جهان بماند
زیبا سروده های تو در این جهان بماند
رفتی ز تو بماند گهر سفته های بس
آثار پر بهای تو در این جهان بماند
اشعار تو صدا کشد اینکه نه مرده ای
آواز تو ، صدای تو در این جهان بماند
دست اجل شکست درخت گلی ولیک
گل های دیر پای تو در این جهان بماند
نام تو جا ودانه بود در سخنوری
اشعار تو ، بجای تو در این جهان بماند
غمگینم اینکه سرو و ادیبی بخاک شد
افسوس ؛ یاد های تو در این جهان بماند
روح تو شاد و جنت فردوس جای تو
گفتار با صفای تو در این جهان بماند
مهر و ششم جون ۲۰۱۷

Ferooz Dehqan Chardewal

June 06, 2017

ضایعه ای بزرگ به خانواده ادبیات و شعر پارسی صفر نظری فایض شاعر جوان کشور ما در اثر بیماری
بیرحم سرطان که از چندی قبل به آن گرفتار شده بود در کشور آلمان داعی اجل را لبیک گفته روحش شاد
و بهشت برین جایش

Ferdaws Zaki

June 05, 2017

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»

هر نفسی چشنده مرگ است، پس از آن به سوی ما برمی گردید.
خبر درگذشت شاعر شهیر و توانای میهنم جناب Safar Nazari Fayez جانسوز و غیرقابل باور است
خاموش شدن این شمع نورانی را برای خانواده محترم ایشان و تمامی فرهنگیان تسلیت عرض مینمایم
برای ایشان از درگاه خداوند متعال مغفرت، برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانم
انسانیت

این جا دل است، معرکه‌ی گیر و دار نیست
بازار رخت گل‌گلی و گل‌نگار نیست
این جا دل است، مسند عشق شگوفه‌ها
چوک قمار و صندلی کار و بار نیست
این دل برای عاطفه پاک و مقدس است
بغض گلوی مردم وحشی‌تبار نیست
این دل فدای هر چه که انسان نیک‌خوست
زین و رکاب آدم مردم‌سوار نیست
این دل جواز جاده سبز حضور تان
تنها مسیر قبله‌ی پروردگار نیست
این دل حريم خلوت آرامش شماست
پارک شلوغ شهرنو و زرنگار نیست
انسانیت نهایت آرمای این دل است
اندیشه‌ام بغاوت متن شعار نیست
صفر نظری فایض

Sayeed Azizullah Mohebey

June 06, 2017

باکمال تأسف و تأثر غروب غم انگیز شاعر زیبا سرا و دوست عزیزم که همیشه مشوق حقیر بودند جناب
آقای فایض نظری را به جامعه‌ی ادبیات کشور و خانواده‌ی داغدارش تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم برای
مرحوم مغفور جنت مکان خلد آشیان بهشت برین و برای بازماندگانش صبر جمیل و اجر جزیل از بارگاه
الهی خواهانم.

Nasir Sultani

June 05, 2017

جوانیکه مجال شگفتن نیافت با تأسف اطلاع حاصل نمودیم که صفر محمد فایض یک شخصیت بزرگ
ما روز دوشنبه دنیای فانی را لبیک گفت روحش شاد و یاش گرامی باد.

تو رفتی بعد از این شعر تو نا تکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینهء پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحہ ی دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
کـــــه در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی ، ســـــوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار ته ی دیوار می ماند
برای مـــــرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجـــــز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مـــــولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهرتان پربار می ماند
تو رفتی ، چند روزی ماتم گـــــور سیاهی است
و نامت در طـــــراز سرخط اخبار می ماند
شاعر: شادروان صفر نظری فایض

با تاسف از طریق دوست نهایت عزیز و گرانقدرم صفحه Rumi Balkhi اطلاع حاصل نمودم که شاعر شیرین کلام و ادیب فرزانه کشور ما (صفر نظری فایض) نسبت مریضی که داشتند جهان فانی را وداع و به دیار باقی پا گذاشتند. { انا لله و انا الیه راجعون }
از دلنوشته ها و اشعار ناب شان به درستی هویداست که در وجود مرحوم حس وطن پرستی ، عطوفت و انسانیت چقدر جا داشته است ... روحشان شاد و یادشان جاویدان باد
و برای بازماندگان و فامیل محترم و معززشان صبر جمیل و عمر طویل از بارگاه خالق یکتا و توانا استدعا مینمایم.

برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
صفر نظری " فایض "

*دریغ از سه سطر بیوگرافی....

«صفر نظری فایض» غزلسرای خوب افغان در جوانسالی و در شهر فرانکفورت آلمان پس از ماهها دست و پنجه نرم کردن با بیماری لاعلاج سرطان دیده از جهان فرو بسته است. می خواستم در سایتهای

مختلف ادبی خبر درگذشت او را منتشرکنم ؛ اما دریغ از سه سطر بیوگرافی و شرح احوال از این شاعر خوب و برجسته ی افغان. نام بلندش را بارها در مرورگرهای مختلف سرچ کردم تا شاید در جایی به شرح احوال هرچند کوتاهی از وی برسم ؛ اما نبود که نبود. حتی دوستان و هموطنان او در دهها مطلب که در فیسبوک گذاشته اند از «صفر نظری فایض» سه خط بیوگرافی ننوشته اند تا خواننده ی علاقه مند بداند که این شاعر جوان در چه سالی و در کدام شهر و ناحیه از افغانستان متولد شده است. همه و همه ضمن ابراز تأسف غزل یا غزلهایی از «نظری فایض» نشر داده اند. من حتی برای شاعر و ادیبی بزرگوار از کشور افغانستان ایمیل زدم که شرح احوال کوتاهی از این شاعر فقید بفرستد تا من بتوانم با افزودن شاخ و برگ آن را در سایتهای مختلف فضای مجازی و تلگرام درج کنم ؛ اما هیچ خبری نشد... من فقط می دانم که «صفر نظری فایض» عزیز و فقید و زیباروی که علاوه بر سرودن شعر دستی نیز در ترجمه و نقدو بررسی آثار ادبی دارد در فرانکفورت آلمان می زیسته و بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان درگذشته است....

به روح بلند این شاعر خوب افغان درود می فرستم و جاودانگی نام و آثار فاخر و دلربایش را از ایزدمنان مسئلت دارم.

بهروز هرمس

June 05, 2017

ناگه شنوی خبر که آن جام شکست. نه هیچ جامی نشکسته است، به جای جام، جانی شکسته است و شاعری مرده، آن هم چه شاعری! جوان، نازنین، باسواد و به تمام معنا یک انسان. انسانی بزرگ با روحی بزرگتر، مردی که شغنان به این زودی ها مانندش را نخواهد یافت و اگر بیاید هم به بسیار دشواری، می گویند با مرگ شاعری کلمات یتیم می شوند وای بر کلمات، وای بر واژه ها که پدري چنان سزاوار و شایسته را از دست دادند و وای بر ما که جای خالی اش را نمی توانیم پُر کردن. دریغ از جان جوانش نمی آید او پر کشید و به سوی ناشناخته ها رفت جایی که شاید هیچ چیزی نباشد شاید هم به آرامش برسد. افسوس من بر خودمان است و بر بازمانده گانش که چه رنجی را تحمل می کنند. هر چند زمان بی رحم است و بالاخره غم بزرگ از دست دادنش را کم رنگ خواهد کرد؛ اما دگر چی کسی شعر را چنان خوب و شایسته خواهد سرود و نقد کند آن سان که سزاوار است؟

من عکسش را نمی گذارم چه سود جز افسوس و دریغی که از دیدن عکسش به من دست می دهد و آتشی که بر جانم می زند.

لعنت به کار و مصروفیت، لعنت به دنیا و لعنت به مرگ، لعنت به خودم که چرا بیشتر با وی گپ نزدم و چت نکردم و ذره ذره کلماتش را به جان ننیوشیدم.

این اصلاً عدالت نیست این جفا است من نمی دانم جفای کی از خدا از طبیعت یا از چیزی دیگر اما چرا این جفا را متحمل می شوم لعنت به این قطعیتی که مرگ دارد، مرگ لعنتی مگر ما چند آدم به آن خوبی و سواد و ادب و تمامی اخلاقیات جمع شده در یک فرد داشتیم که بردیش؟

اصلاً این واژه ها را چرا قطار کنم؟ مگر دردی را دوا می کنند، مگر می توانند صفر سفر کرده ما را برگردانند؟ مگر می توانند اندوه بزرگ نبودنش را پُر کنند نه نمی توانند.

صفر نظری فایض! فایض عزیزم، فایض دوست داشتنی ام! آخر "چگونه مرگ می تواند تنها گودالی را از تو پُر کند؟"

این ها را برای عقیف باختری سروده بود برای آن بزرگ شاعر از دست رفته، بی آن که بداند خودش هم در کمترین زمان عقیف دیگری می شود و می رود برای همیشه ای وای

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می‌ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می‌ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می‌ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می‌ماند

Jumakhan Darwishi

June 05, 2017

در گذشت نا به هنگام عزیزم مرحوم صفر جان فایض رابه استاد بزرگوارم و اعصای فامیل محترم
شان تسلیت عرض نموده بهشت برین جایشان باشد روحش شاد و یادش گرامی.

Karim Nawjoo

June 05, 2017

از لحظاتی که خبر تکان دهنده ی درگذشت صفر جان فایض را از طریق تلفون یکی از دوستان کابل شنیدم
توازن فکری هم برهم خورد و هیچ واژه ی مناسب را برای تسلیت به خانواده اش و به جناب فایض عزیز
پدر مرحومی نیافتم تا به رسم تسلیت عرض نمایم من درحالی که برای مرحومی جنت فردوس تمنا دارم
برای بسته گانش صبر و شکیبایی از ایزد متعال مسئلت دارم. چند بند به حیث رثای کوتاه نثارش باد:
گل واژه ها یتیم شدند در سرودو شعر
آری غزل به سوگ نشسته به زحمت است
امروز همه به تن کرده جامه ی سیاه !
درماتم عزیز عزیزان نبود فرحت است
فایض تو نیستی ازین بعد درمیان ما
شعرو سروده های تو باران رحمت است

Abdullah Kargar

June 05, 2017

قال انا لله و انا اليه راجعون!

شاعری که با خواندن شعرهایش راحت میشوی همدلی و هم پارچه گی در دلت جای میگیرد.
چه قسم باور مان شود که دیگر این شاعر پر کلام و شیرین سخن در بین ما نیست. وقتی از این خبر آگاه
شدم خیلی متأثر شدم و اشک از گوشه چشم جاری شد اما غیر از تحمل دیگر راهی نبود .
از خداوند منان برای ایشان بهشت برین برای تمام اعضای فامیل و دوستانش صبر جمیل خواهانم.

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می‌ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می‌ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می‌ماند

برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پربار می ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض

Hamdard

June 05, 2017

*درگذشت فایض صاحب گران مهر چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می نشیند، ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره ای جز تسلیم و رضا نیست. این ماتم جانگداز را به، خانواده محترم تان صمیمانه تسلیت عرض نموده و برای آنان صبر و اجر و برای آن عزیز سفرکرده علو درجات طلب می کنم.

Wahid Atah

June 05, 2017

سوگمندانه باز هم یکی از شخصیت های بی بدیل، شاعر سترگ، نویسنده توانا، دوست و برادر دیار غربتم را از دست دادیم، با رفتنش همه ما را اندوگین و تنها گذاشت، همچنان بار بسیار سنگینی که همانا مراقبت از اولاد های نازنین اش است شانه های خمیده ما را خمتر خواهد ساخت. برای اعضای فامیل محترم بخصوص والدین شان، دوستان، و به تمام مردم شغنان از دست دادن این جوان نا تکرار، همه شمول و با استعداد را تسلیت عرض میکنم. جنت ها جایث فایض عزیز.

کلیم الله همسخن

June 05, 2017

انا لله و انا الیه راجعون

در گذشت (نام درگذشت) چنان سنگین و جانسوز است که به دشواری به باور می نشیند ولی در برابر تقدیر حضرت پروردگار چاره ای جز تسلیم و رضا نیست

دوست عزیزم Safar Nazari Fayeز جهانی فانی را وداع گفت و به ابدیت پیوست این ماتم جانگداز را به خانواده محترم شان تسلیت عرض نموده و برای آنان صبر و اجر و برای ان عزیز سفر کرده علو درجات طلب می کنم

Gulnazar Farhad

June 05, 2017

کل نفس هالک الی وجهه، با درد و اندوه بی پایان اطلاع حاصل نمودم که شمعی در خانه شعر و ادب به خاموشی گرایید، درد جانکا شنیدن این خبر برایم غیر قابل تحمل بود اما حدود ۲۴ ساعت صبر نمودم تا اینکه این خبر جانگداز توسط یکی از دوستان مرحوم صفر فقید بر صفحه فیسبوک ظاهر شد: انا لله و انا الیه راجعون* به صفر نظری فایض فقید بهشت برین و به بازمانده گانش صبر جمیل را متمنی ام

Aref Nejah

June 05, 2017

پرواز را ،
بخاطر بسپار ،
پرندۀ مردنی است،
خبر درگذشت صفر عزیز شاعر زیبا کلام و شخصیت تکرار نا شدنی چنان جانسوزیست قابل تحمل نیست
اما چیزیکه رضای خداوند باشد ناگذیر تحمل کرد من در این غم و اندوه بزرگ خود را شریک دانسته
و برای استاد گرامی نظر محمد فائض ، اعضای فامیل، اقاربین و دوستانش صبر جمیل خواهانم
سعدیا مرد نیکونامی نمیرد هرگز
مرده ان است که نامش به نیکویی نبرند.

Imran Gouhari

June 05, 2017

در غم ات اندوهگین هستم صفر نظر فائض، روح ات شاد و جنت فردوس جای ات باد.

Masjidi Qazizada

June 05, 2017

دوستان همگی، از غم تو مأیوسند
اشک چشم همگان خاک مزارت، تر کرد
در گذشت و رفتنت از باغ شعر و ادب برایم باور نکردنیست این خبر رفتن و پیوستن ات به ابدیت ما و
دوستان را به عزا شاند با رفتن ات همه گل ها پرپر شد.
رفیق فایض روح شاد و یادت گرامی باد.

با شنیدن خبر مرگ نا بهنگام صفر نظری فایض، نهایت متأثر و اندوهگین شدم. برای ساعاتی گریستم. این خبر جانکاه را نمیشود به آسانی به باور نشست. به رخنه‌اش سر زدم تا با خوانش اشعار و نوشته هایش کمی تسلی دل نمایم؛ اما نمیتوانستم مانع اشک هایم شوم. اکنون هم که نصف شب است، از خاطرش خوابی در چشم ندارم. مطمئنم کسانی که حتی قطعه یی از اشعارش را خوانده باشند، از شنیدن خبر مرگ وی به همین اندازه نا راحت اند. در گذشت این شاعر نا مراد مان، نه تنها به خانواده، اقارب و دوستان وی؛ بلکه برای جامعه شعر و فرهنگ افغانستان یک ضایعه بزرگ است. تحمل این درد جانکاه نهایت مشکل و طاقت زداست؛ اما آنچه رضای ایزد منان است، بایست پذیرفت. بدین وسیله برای استاد نظر فایض، خانواده، بستگان و دوستان مرحوم مغفور تسلیت عمیق خود را ابراز داشته و برای شان صبر و استقامت ارزو میکنم. روحش به وسعت اندوه مان شاد، یادش مانا و مکانش جنت الفردوس. بیایید بخاطر خوشنودی روح متوفی، آرمان هایش را که در هر مصرع شعرش بازتاب یافته اند، تحقق ببخشیم:

از نظر افتاده‌ایم اما گذر در ما یکی‌ست
آب ما صدپاره و انگیزه دریا یکی‌ست
خواب ما، چتر خیال و تشنه‌گی انگار صلح
چنگ ما، نوک طناب وحدت و فردا یکی‌ست
من زبان، تو هم‌زبان، ما هم‌زبانان یک سخن
حرف ما، پندار ما در واژه و معنا یکی‌ست
یک وطن، یک مردم و یک ملت و یک پاسبان
وسعت جغرافیا بی‌مرز و این دنیا یکی‌ست
یک طبق، یک دیگ‌دان و دست یک دسترخوان
در مرام هم‌دلی هم زشت و هم زیبا یکی‌ست
روی اخلاص از صبوری قامت ما جیم شد
خیر اگر سر بر زمین است و یا بالا یکی‌ست
تیشه آوردند تا در ریشه مان زخمی نهند
هی غلط کردیم...، گرچی همت والا یکی‌ست
صفر نظری فایض

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می‌ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می‌ماند

تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض

Hijrat Hassan

June 05, 2017

وفات نا به هنگام جناب محترم سفر فایض جوان ادیب و مستعد وطن عزیز مان را به فامیل ایشان تسلیت
عرض داشته و به باز مانده گان ایشان صبر جمیل خواهانیم روحش شاد یادش گرامی باد .

Beltoon Zadran

June 05, 2017

از خداییم و بسوی او بر میگردیم!
گل های به ثمر رسیده ای ما پرپر شدند و درختیکه به سختی به حاصل رسیده بود تا استفاده نماییم
خداوند «ج» نبخشید و خشک شد
با تأسف فراوان اطلاع حاصل نمودم که دوست عزیزم استاد صفرنظر فایض یک تن از شخصیت های
علمی و فرهنگی در اثر مریضی که عاید حالش گردیده بود در خارج از کشور در گذشت اندوه ما در غم
از دست دادنت در واژه ها نمیگنجد تنها میتوانیم از خداوند برای عزیزان و فامیل محترمش صبر عظیم
و برای این مرحوم جنت الفردوس خواهانیم
انا لله و انا الیه راجعون

Feda Muradi

June 05, 2017

دوست عزیز خداوند جنت فردوس نصیب تان کند و برای بازماندگان و دوستان تان صبر جمیل از خداوند
ربالعزت طلب گارم
انالله وانا اليه راجعون....

Mirmurad Nadri

June 05, 2017

برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
گلی از گل‌های شعر و ادب، توده شرافت و انسانیت، زمانی پر پر شد که پاییز، هنگام بهار اش آمده بود ...
باکمال تاسف شاعر شیرین کلام ما، صفر نظری "فایض" رخت سفر بسته به ابدیت پیوست!
رفتن این جوان مستعد ضایعه بزرگی است، برای جماعت فرهنگ و هنر ولی فرشته مرگ کسی را خبر
نمیکند.
برای مرحوم مغفور از بارگاه خداوند تبارک و تعالی بهشت برین و برای بازماندگان اش صبر جمیل آرزو
مینمایم.
در غم تان شریکم کاکا فایض !

Natiq Noori

June 05, 2017

صفر نظری فایض یکی از شعرای جوان کشو به اثر بیماری سرطان در آلمان درگذشت...
او چندی قبل این سوگواره را به مناسبت درگذشت استاد عفیف باختری سروده بود و حالا مرگ او را با
خودش برد.

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پربار می ماند

تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض

Idriss Hasan

June 05, 2017

غیبت دوست سفر کرده ی مان فائض مرحوم از دنیایی مجازی خیلی خیره کننده و غیر معمول نبود بدین
معنا که ایشان خیلی کم حضور داشت
اما اینبار :

دی روز برای اولین بار از رخ نامه دوست عزیز مان نوید جان اساس خیر جاودانگی آن عزیز را دیدم و
شنیدم. شوک از دست دادنش برای لحظه ی دنیا را بیش از حد معمول فانی و بی ارزش یافتم، دوستیکه تا
لحظه ی قبل از مرگ هم شاید ذهنش دنبال شوژه و قافیه های میگشت که اثر دیگر برای تغذیه ی ارواح
یاران همدل و هموندانش خلق کند تا نگفته ی دیگر از او گفته شود.
اما از بد نصیبی مایان این مجال نشد و عزیزی را نا به هنگام از دست دادیم که این ضایعه ی فرهنگی
انسانی را برای خانواده محترم و جامعه ی فرهنگی کشور به خصوص حوضه شعر صمیمانه تسلیت
عرض داشته ابراز غم شریکی میکنم
زایده ی دل :-

سفر کرده رفیق دم چرا زود؟
تنش پوشیده خاک غم چرا زود؟
درین متروک شمعی نیست روشن
فنای دوست را دیدم چرا زود؟
هنوز حرف فراوان داشت آن دل
دل آن چون شده ماتم چرا زود؟
امانت دار بودیم از خداوند
گرفت اما چرا این دم چرا زود؟
به دست مادرش دستمال داماد
شده از اشک غم پر نم چرا زود؟
ادریس حسن

Nawid Asas

June 05, 2017

آدرس مکان تکفین
دادر صفر فائض نظری عزیزم به ساعت ۳۰ : ۱۷ عصر امروز، کشور آلمان
Gravenbruchring 165 B .63263 Neu-Isenburg .Hinterhof

Nawid Asas

June 05, 2017

به‌دیده‌هایش تماشا میکنم، مانع اشک‌هایم نمیتوانم شد ...
بهترین دوستم، دادر بزرگم، شاعر آزاده انقلابی که همیشه وقت در این غربت سرا از درد مردم خود می‌سرایید. از اثر بیماری که در این دو ماه گذشته، عاید حالش گردیده بود، جوانی را به‌اشعار خود بخشید و جاودانه شد.

جنازه مرحوم (فایض صفر نظری) فردا ساعت شش عصر، در شهر فرانکفورت آلمان، تکفین داده میشود و پس فردا نظر به وصیت که به خانواده و دوستان خود داشتند، به دیار خویش - افغانستان - انتقال داده، تدفین میگردد.

دوستانی که در اروپا حضور دارند و خواستار آخرین دیدارش استند، میتوانند آدرس مکانی که زنده‌یاد (صفر فایض نظری) تکفین میشود را، من یا جناب کارگر در خدمت شان قرار دهیم .

شانه‌هایم را خماند با این رفتن نا به‌هنگام و ...

حالا طرف آمستردام روانم و بعدن با جمع دوستان به شهر فرانکفورت خواهیم رفت برای ...
شماره موبایل:

95 33 63 768 0033

Dawood Pazhman Pazhman

June 05, 2017

خبر در گذشتت درد بزرگیست که باورم نمی‌شود که شما رخت سفر بر بستید و ما را در اندوه بزرگی نشانید.

روح شاد فایض عزیز و گرامی!

Shamspor FaraMarz

June 05, 2017

باز هم دست سیاه مرگ حنجره‌ی رفیق دیگرمان را فشرد و صدای غزلهایش را نیمه تمام گذاشت، درگذشت او را به اعضای فامیل محترم شان، به دوستان حقیقی و مجازی اش و همه دوستداران شعرش تسلیت عرض میدارم.

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می‌ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می‌ماند

تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می‌ماند

برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند

سکوتِ قلب و تنها لمحۀ دیدار می‌ماند

چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه‌ها اسرار می‌ماند

تورفتی، سوژه‌ها از رونق بازار افتادند
زمین‌جنب است و آثار تۀ دیوار می‌ماند

برای مرگِ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک‌بختان مدرک و آثار می‌ماند

(تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی‌ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می‌ماند)

تورفتی، چند روزی ماتم گورسیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می‌ماند
"صفر نظری فایض"

Mohabat Shah Jahani

June 05, 2017

از خبر درگذشت برادر فرهیخته ام و چراغ بزرگ خانه شعرپارسی خیلی اندوه‌گینم.
خداوند مغفرتش کند و فردوس برین نصیبش کند و درضمن عرض تسلیت دارم به کاکاجان گران مهر
ام (نظر فائض) خداوند صبر جمیل به فامیل محترم و به تمام خویش و دوستانش عطا فرماید

Mohammad Azim Adel Sharifi

June 05, 2017

انا لله و انا اليه راجعون

مرگ نا به هنگام

استاد بزرگوار

شاعر بزرگ

صفر نظری فائض همه عزیزان اش را در سوگ نشاند

بر استاد بزرگوار مقام بهشت برین و برای بازماندگان اش صبر جمیل از ایزد منان خواهانم.

Iqbal Farhang

June 05, 2017

در کمال تأسف و شوکی بزرگ باخبر شدم یکی از بهترین شاعران انقلابی و آزاده افغانستان و همچنان دوست عزیزم (جناب آقای صفر نظری فایض) در شهر فرانکفورت آلمان دار فانی را وداع گفت از خداوند متعال برای ایشان طلب مغفرت کرده و برای خانواده و دوستان بزرگوارشان صبر جمیل مسئلت می نمایم .

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم.
صداقت را به قدر لازمش در سینه کم داریم
ستون اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر
که تاریخ عدالت گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دوره‌یی تاریخ مان را خون بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم
فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سبزینه کم داریم
مرحوم صفر نظری فایض

Rakin Sultana

June 05, 2017

قامت اشک دیگر بار در فقدان عزیزی شکست ...
پرواز ملکوتی شاعر آزاده و برادر خوبم صفر فایض نظری که همچون گلی در عنفوان جوانی پرپر شد
و همه را ماتم زده کرد، و چه زود و شتابان به دیار باقی شتافت.
قلبه‌ای ما را اندوهگین نمود و باعث تأسف گردید
اکنون ما این مصیبت عظمی را به خانواده های محترم سوگوار ، دوستان و جامعه ادبی و فرهنگی کشور،
صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه احدیت برای سایر بازماندگان مرحوم، صبر و شکیبایی و طول
عمر با عزت و همچنین برای آن عزیز سفر کرده غفران و مرحمت حق تعالی و علو درجات را
خواستاریم.
در لحظه لحظه سوگواریتان شریک هستیم
روحش به وسعت اندوهمان شاد و بهشت برین جایگاه ابدی شان باد.

Nahib Haidary

June 05, 2017

آخرین غزل مرحوم صفر محمد فایض



آخرین غزل مرحوم فایض صفری:

من مثل سایه همقد تو راه میروم
از ابتدا به سرحد تو راه میروم

هرگز جدا به نوبت گامم نرفته‌ام
قامت‌الف! پی‌مد تو راه میروم

گاهی بغل گرفته و دستت به دست من
گاهی کنار و از رد تو راه میروم

پیوسته در نگاه فریب تو گم شوم
از خود برون و در حد تو راه میروم

فکرم که راه سمت رسیدن قریب و من-
سوی اتاق آمد تو راه میروم

گاهی که از نهایت خط حرف می‌زنی
من بسته‌چشم از سد تو راه میروم

تو از عدول گام خودم خشم کردی و...
من در مقام ارشد تو راه میروم

صفر نظری فایض

Narvand Roshaan

June 05, 2017

شنیدم وا دریغا شاعر شیرین بیان رفته
صفر آن "فایض" پُر فیض با خلد جنان رفته
دریغا وا دریغ اینسان فلک با وصف بی مهری
بود حیران جوان با خرد با کاروان رفته
باهل دانش و فضل ادب بود افتخار اما
صفایی از دل و رنگ از رُخ هر نوجوان رفته
به پیران نیز اسباب غم هجران شده پیهم
جهانی سوگوار آمد ز وی تاب و توان رفته

Farid Jahani

June 05, 2017

آخرین پیام هایکه با برادر عزیزم صفر
(نظری) فایض داشتم بعد از این پیامها دیگر نتوانستم که صدایشان را بشنوم خیلی درد آور است تو
رفتی و همه ما را داغدار ساختی روح شاد و جاییت بهشت برین باد!

Ibrahim Ibrahim

June 05, 2017

درگذشته نا بهنگام شاعر توانا و نبوغ سرزمین مان خیلی اندوهگین مان ساخت. استاد بزرگوار فایض
صاحب نامت همیشه جاودان خواهد ماند و یادت همیشه در دل های هموطنانت گرامی خواهد بود. روح
شاد و بهشت برین جاییت باد.

.....
تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پربار می ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند

Pahlavan Mujeeb Alizada

June 05, 2017

خبری که وجودم را درسکوت وافکارم با غم اغشته ساخت!!!
درگذشت نابۀ هنگام شاعر فرهیخته دریا مان (صفر فایض) بر همه ماسخت و نا باور تمام شد. هیچ باورم
نمیشود که شاعر بامتانت مان به ابدیت پیوست، و او را با کلمه مرحوم یاد میکنیم، هیچ باورم نمیشود که
دیگر شعر تان ناتکرار میماند.
تو ستاره‌یی بودی همیش با اشعارت شهر، شعر شاعری میدرخشید و با وداع گفتنت به ماتم کشانده شد.
از خداوند متعال بر مرحوم جنت الفردوس و بر بازمانده‌گانش صبر جمیل تمنا دارم.
دو روزی زنده‌گی یعنی که با گردآب رقصیدن*
از این بیهوده‌گی بهتر به هر آداب خندیدن*
میان سینه یک بغضی تکامل کرده با تلخی*
مثال لاش خرسنگی که در مردآب گندیدن
«صن فایض»

Dawlatbik Sakhizad

June 05, 2017

درخت پرباری ازبوستان شعروادب خشکید
مرگ نابۀ هنگام صفرنظر فایض شاعر شیرین کلام وزیبایان مراسخت اندوه گین ساخت ،شاعریکه همیشه
برای هر موضوع وبرای هرکس شعرمیسرود گاهی درشعرش ازعشق میگفت وزمانی هم ازآزادی
وانسانیت، غم مرگش چنان گلوگیرم کرده است که واژه ها ازبیانش ناتوان اند.
روح شاد شاعر جوان مرگ !
واژه های شعرت دیگر ناتکرار خواهندماند.

Azada Froogh

June 05, 2017

گل به ثمر رسیده ای ما پر پر شد ، و درختی
که با سختی های فراوان به حاصل رسیده بود، مرگ نا به هنگام استاد صفر فایض به باور نمی نشنید و
خیلی متأثر کننده است .
کاکا محترم ام جناب فایض! رفتن یک عزیز و راه سفر شدنش برای ما سخت است و از جمله امتحانات
الهی است و باید پذیرفت و دعا کرد .
من ضمن عرض تسلیت به تمام خانواده محترم تان از خداوند بزرگ برای مرحوم بهشت برین و برای
شما صبر جمیل استدعا دارم.

ما نیز جز این قافله هستیم و شریک این اندوه بزرگ شما، و با شنیدن این خبر چشمانم تاریک شد و دنیا را جز دهکده تاریک نمی دیدم.

Khaldar Naseri

June 05, 2017

مرگ نا به هنگام شاعر شریک کلام دیارم گل امید همه ی دوستداران هنر را پرپر کرد و اینکه دیگر در میان ما نیست باور کردن اش چه دردناک است. من که تا مدتی فکر کردم که شاید کابوسی باشد ولی حال دیگر باید باور کرد که شاد روان صفر برای همیشه از میان مان به سفر ابدیت رفت .

بلی

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار ته ی دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می ماند
تو رفتی ، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض
روح شاد و یادت جاودان باد !

Ziman Rawshan

June 05, 2017

*** انا لله و انا الیه راجعون ***

تازه از کار رسیده بودم خانه و خیلی گرسنه بودم. به اشتها خوب شروع کردم به خوردن غذا که همسرم گفت صفر فایض را میشناسی ؟ گفتم بلی این شاعر شیرین کلام را کی نمیشناسد. با چشمان اشک آلود گفت: از دنیا رفت. اصلا باور نکردم گفتم اشتباه میکنی ایشان صحت و سلامت در آلمان زنده گی میکنند. سراسیمه سری زدم به فیسبوک که همه جا تصاویر و خبر درگذشت این شاعر شیرین کلام، جوان آگاه و یکی از انسان های تکرارنشده بود که غذا بر سرم زهر شد . اگر چه از نزدیک آشنایی نداشتیم اما محبت برادرانه اش در دل و جانم جا گرفته بود. همواره نوشته هایش را مرور میکردم و لذت میبرد و تحسین

اش می‌کردم. خیلی متاسفم برادر نازنین روح شاد و یادت گرامی و به تمام اعضای فامیل محترم، دوستان و رفیقان خلاصه به تمام مردم شغنان تسلیت عرض می‌دارم.

Noor Ali Karimi

June 05, 2017

صفر عزیز رفتی اما سنگینی غم و اندو تاب و توان ما را فقیر ساخته است. سخنیکه، دیگر غزل سرا، ادیب، شاعر و جوان توانا در میان ما نیست و به رحمت حق پیوست. این غم نه تنها خانواده، اقارب، دوستان بلکه تمام امیداران ما مصیبت دزه ساخته است. فایض عزیز نه تنها امید و سرمایه والدین و فامیلش بوده بلکه برای درخشش و پیشرفت کشور ما خاصا حربه شهر و شاعری گام فرامزی داشت که امروز چشم امید ما را بست. غم و اندو سنگینی بر قلب های والدین و همه ما رسوب کرده نمیتوان آن را جذب نمود اما چاره چیست؟ جز صبر مگر وحشتناکی این مصیبت آنقدر سنگین بر شانه های دمیده که نمیتوان از آن دوری جو. بچه خاله عزیز، شما با همه خاطرات و مهربانیت همه را در سوگ غم فرو بردی و آتش جگر سوزی را در بین خانواده اش روشن ساختی خدایا! من نادانم همه دانایی در شما است. در رحمت حق را بروحش بگشا به باز مانده هایش صبر عیایت فرما

Farrukh Hadi

June 05, 2017

"تو رفتی بعد ازین شعر تو نا تکرار می ماند"
می خواهم چیزی بنویسم ولی نمی توانم. سنگینی غم از دست رفتنش بر شانه هایم وحشتناک است. نمی توانم بپذیرم او دیگر در میان ما نیست. نمی توانم. آخر این آسان نیست. اویی که هر روز می سرود و شعر می سرود و ما می خواندیم و کیف می کردیم، دیگر نمی سراید. حتا فکر کردنش که دیگر نمی سراید کشنده است. او درد و رنج هر روزه ی ما را با گلوی شعر و غزل فریاد می زد. گلویی که بریده شد و گلوازه های شعر پرپر شدند.
اگر خدایی هست، آن خدای رووف و رحیم، چرا اینگونه ظلم روا می دارد؟ آخر چرا صفر فایض نظری، آن عزیز دل ها، شاعر عشق و صفا بمیرد؟ کسی هست آن بالا ها بگوید، این عدالت نیست، بی انصافی است، نامهربانی است. می تواند معجزه یی رخ دهد و شاعر ما بر گردد؟ خدای من، پروردگار! هیچگاهی نخواهم توانست فهمید چرا آنهایی که یک سر و گردن بالاتر اند، زود می میرند؟
دل شکسته ام، خشمگینم، با تمام وجود غمگینم. پس از چند ساعت، هنوز هم به باورم نمی نشیند که آن یار خوش کلام، دوست دوره ی دانشگاه و شاعر شیرین سرا، از میان ما رخت سفر بسته است. همین حالا دارم به ده سال پیش فکر می کنم. به زمانی که در لیلیه ی مرکزی در یک اتاق بودیم. به درس خواندن و زحمت کشی اش فکر می کنم. به پشت کارش. به این که پشت پرده بالای تخت خوابش می خواند و می خواند و می خواند. زبان آلمانی را اکادمیک آموخت و مترجم خوب این زبان شد. در شاعری استادی و تبحر از خود نشان داشت. با همه دوست بود و مهربان. به ده ها ویژه گی دیگر برترش فکر می کنم. و همین است که نمی خواهم فکر کنم که دیگر نیست چون هست: "مرد نمیرد به مرگ...."
روح این عزیز به خاک خفته را شاد می خواهم. خاطراتش زنده و یادش مانا باد!

Bahram Mirzada

June 05, 2017

ایکاش این خبر را نمی شنیدم با شنیدن این خبر نا خوش ضربان قلبم سریع شده و فکرم را درهم و برهم ساخت و دیگر هیچ کلمه ای نتوانستم بخاطر تسلیت فامیلش پیدا کنم و این ننتها مربوط فامیل بزرگوار فایض بود بلکه این مربوط فامیل فرهنگ و مردم شغنان بود که تمام مردم شغنان در سوگوار قرار داد من برای صفر نا مراد جنت فردوس برین و برای فامیل شان صیر جمیل از دربار ایزد متعال تمنا دارم

Shahla Pamirzad

June 05, 2017

صف بی برگشتنت هنوز هم باورم نمیشود. برادر جان قند روحت همیشه شاد باشد.
شهلا پامیرزاد

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند
صفر نظری فایض

Khoja Rahmani

June 05, 2017

با تاثر و تالم فراوان این شاعر ورزیده و ماستر حقوق به ابدیت پیوست مرگ نا به هنگامش به جناب فایض صاحب و تمام هم دیارنم تسلیت میگویم برای این جوان نا مراد بهشت برین و برای فامیل اش صبر جمیل از خداوند متعال استدعا دارم **اَنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ**.

Khoja Rahmani

June 05, 2017

به اطلاع عموم وطنداران و دوستان مقیم کابل رسانیده میشود که قرار است نماز جنازه شاعر فرهیخته صفر فایض فردا پنجشنبه ۱۸ جوزا ساعت دو بجه در جماعت خانه عمومی بر گزار گردیده و بعد در حدیره تعیین شده به خاک سپرده میشود اشتراک شما را خواهانیم. و فاتحه بعدا اعلان میگردد.

Sayed Haidar Kashani

June 05, 2017

گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است می چیند آن گلی که به عالم نمونه است

خبر در گذشت شاعر شیرین کلام و چیره دست دیارم خیلی سخت اندوهگین مان ساخت..
دقیقاً مدت دو ماه میشد از طریق دنیای مجازی به جمع دوستان این شاعر درد آشنا و ژرف اندیش سرزمینم پیوستم.
از دلنوشته ها و اشعار ناب شان به درستی هویدا است که در وجود مرحوم چقدر عشق به وطنش شعله ور شده بود..
غزل هایش انسانیت، عطوفت و وطن دوستی را بازتاب می دادند...
اما آلاں کوله بار سفرش را بر همیش از دنیای مجازی و مادی بسته و به ابدیت پیوست. خداوند منان روح شان را شاد داشته باشد.
انالله وانا الیه راجعون.
این راه پیش چشم شما اشتباه نیست؟
آیا مسیر رفتن شما سمت چاه نیست؟
دهقان، کشت و هرزه گیاه زمین تان
خرمن، بهای حاصل تان مشّت کاه نیست؟
وقتی به قله های خیالی رسیده اید
خس کپه ها هنوز همان سر پناه نیست؟
هی بر خلاف گام عروج آید و اعتلا
ابلیس بر ضمیر شما پادشاه نیست؟
حجم صدای گلوی شما را فشرده است
فریاد تان به حلقه ای زنجیر آه نیست؟
صفر نظری "فایض"

Hossayni Hassanyar

June 05, 2017

صفرگرامی تو رفتی و با رفتنت همه را سوگوار ساختی. غم و اندوهیکه در دلهای ما جا گرفته است در واژهها گنجیدنی نیست. ای کاش من هم مثل تو قدرت زبان می داشتم و فقدان ترا، و اندوه دلم را به خامه

میکشیدم.

صفر عزیز تو غنچه ی بودی که در گلستان ادب ما شگفتی اما چه زود پرپر شدی. هرچند تو پرپر شدی خشکیدی اما بوی عطرت همیشه با ماست یادت در دلهای ماست. تو همواره در میان ما هستی. سرودهای ترا چنان جاودان و نا میرا ساخته اند که رفتنت را کسی باور نمیکند. بخت بازآید از آن در که یکی چون تو درآید روی میمون تو دیدن در دولت بگشاید صبر بسیار ببايد پدر پير فلک را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید. استاد محترم فایض صاحب برایت صبر و شکیبایی آرزو داریم، و برای صفر عزیز آرزوی آمرزش و غفران را از درگاه ایزد بی نیاز تمنا داریم. فایض گرانقدر همه ما فرزندانست هستیم ولی با تاسف و تالم که جای صفر نامراد همواره در کنارت خالیست، کسی نیست که جایش را بگیرد. شاید این غزل حافظ اندک مرهمی باشد بر دل ریش نزدیکان و دوستان زنده یاد صفر. بلبلای خون دلی خورد و گلی حاصل کرد باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد طوطی ای را به خیال شکری دل خوش بود ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد قره العین من آن میوه دل یادش باد که چه آسان بشد و کار مرا مشکل کرد ساروان بار من افتاد خدا را مددی که امید کرم همره این محمل کرد روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار چرخ فیروزه طربخانه از این کهگل کرد آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ در لحد ماه کمان ابروی من منزل کرد نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد

Rostam Lashkari

June 05, 2017

خدایا! قلب و ذهنم هیچگاه قبول نمیکند ولی با چشم پر از اشک، با گلون گرفته و با جگر پاره پاره خود فقط گفته میتوانم روح شاد فایض گرامی افسوس صد افسوس، بهترین دانشمند و نابغه سرزمین مان تو رفتی ولی مردم و دیار خویش را به کی واگذار کردی با رفتنت هوش و فکر همه مردم سر زمینت را با خود بردی. نبود تو ضایعه بزرگ است نه تنها برای حوزه پامیرات بلکه برای عموم افغانستان، روح شاد و یادت گرامی باد برای فامیل نجیب تان و برای عموم دوستداران تان به شمول خودم صبر جمیل از خداوند متعال استدعا دارم. اناللله و انا الیه راجعون.

Qahar Nayeby

June 05, 2017

عمر بهاریکه مسیر تابستان را نه پیموده و در گیر جنگالهای ظالمانه خزان گرفتار و بسراغ عالم ابدیت
رهسپارش شد؛ صفر محمد نظری فایض بود.
روح اش شاد یادش گرامی باد

Arwin Rahi

June 05, 2017

مرگی په تنگه کوڅه راغی
ما وېل سلام هغه وېل کور دې وړانومه
لحظات پېش از درگذشت دوست ارجمند، پسرکاکا و شاعر جوان و چیره دست صفر عزیز مطلع شدم.
تأثر و تأسف انسان چندین چند میشود وقتی هر روز جوانهای مان به بهانه های گوناگون رخت ابدیت
میپندند و خانواده و عزیزان شان را در سوگ مینشانند.
علامه اقبال لاهوری میگوید:
سحر می‌گفت بلبل باغبان را
در این گل جز نهال غم نگیرد
به پیری می‌رسد خار بیابان
ولی گل چون جوان گردد بمیرد

Mir S. Mirzada

June 05, 2017

سلام به تمام قوم های گرامی،
قسمیکه همه ی شما عزیزان اطلاع دارید، برادر و دوست نهایت عزیز مان و فرزند خلاق و پر فهم پامیر
زمین جناب صفر فایض گرامی همه ی ما و شما را با کوه ی از اندو و درد رها کرد و رفت که دیگر
هیچگاهی از اشعار بلند و صفات انسانی اش مستفید نخواهیم شد. بدینوسیله بنظرم فعلن کوچکترین خدمتی
که از دست مان ساخته است این است که همه ی ما و شما چه در داخل و چه در خارج از کشور دست
بدست هم داده و به اندازه ی وصف و توان خود پول بریزیم تا اشعار ناب شادروان را جمع آوری و
به بهترین شکل ممکن طرح و دیزاین و به دست چاپ سپرده شود. بعد با تشکیل محفل مجللی این کتاب رو
نمایی شده و از فروش این کتاب بخاطر جاویدانه ماندن نام و یاد مرحومی کاری در شغنان زمین صورت
گیرد تا بقایای باشد برای آیندگان آن دیار.
اگر دوستان گرامی هم نظری کنند، بناء من از ز چند جوان فرهیخته و پر تلاش چون:
سید فرخ هادی
بهرروز خاوری

سید عزیز علیشاه و ... آرزومندم تا برای برنامه ریزی درست و دقیق این موضوع سهم فعال بگیرند تا باشد اینگونه نام و یاد شادروان صفر عزیز مانرا را گرامی نگهداریم.
بنده هم از کانادا شهر کلگری در خدمتم.
پ.ن.: عزیزانیکه با من آشنایی ندارند باید معرفی کنم که من نواسه ی دختری وکیل رحمت خان استم.

John Kargar

June 05, 2017

قال انا لله و انا اليه راجعون !

همین آخرین پیامت بود به قوم های
به تمام اعضای خانواده مدیر صاحب فائض و به خودم و دوستدارنت تسلیت عرض میکنم

Qurban Ali Mashar

June 06, 2017

روح شادباد

روح شاعر آزاده و عدالت خواه شاد و یادش گرامی باد
دیگر رکابِ همتِ خود کم نمی‌آریم
سر را به پای اهلِ ناکس خم نمی‌آریم
لب‌خند را از غنچه و تصویر از مهتاب
بر پلک های چشمِ مادر نم نمی‌آریم
گل می‌زنیم از شادمانی در زمینِ دل
در خانه‌ها مان آسمان غم نمی‌آریم
حالا زبانِ همدلی را خوب می‌فهمیم
با دستِ خود هنگامه‌ی ماتم نمی‌آریم
یک سینه باغ مهر و الفت و سعتِ آغوش
آیینهِ داریم در بغلِ مان،... بم نمی‌آریم
این مَشکِ آب از رودِ احساسِ شما قند است
در کوزه از دریایِ نفرت سم نمی‌آریم
عبرت گرفتیم از کشاکشِ درس یک تاریخ
فصلِ مصیبت بر سر آدم نمی‌آریم
دل از غبار صد کدورت شستشو کرده،
هرگز دلیلِ باطل و مبهم نمی‌آریم
صفر نظری "فایض"

Susan Torabi
June 05, 2017

امشب وقتی از دفتر به خانه برگشتم یکی از دوستان فرهنگی برایم زنگ زدند و بعد از احوال پرسشی گفتند خبر بد برایت دارم اول فکر کردم باز هموطنانم به خاک و خون کشانده شده. اما دوستم گفتند که متأسفانه یکی از دوستان ادبی و فرهنگی مان را از دست دادیم. جا ماندم گفتم از جمله آقایان بود یا بانوان. گفتند از جمله آقایان و خیلی جوان بودند. گفتم خدای ناخواسته فایض نیست. گفتند هست. دیگر نفهمیدم ترین مرا کجا برد و چگونه همچو کبوتری که لانه اش را بلد میباشد خانه رسیدم. فایض عزیز چگونه نبودنت را باور کنم. قبل از خبر مرگت با خود گفتم با واقعات اخیر وطن چطور فایض چیزی ننوشت چون میدانستم فایض عاشق وطن بود و خاموش نشستن در چنین وضعیتی برایش ناممکن میبود. با خود گفتم شاید مشکلی برایش پیش آمده باشد. چگونه غافل ات شدم برادر شاعرم. هموطنان عزیز صفر نظری فایض یکی از شاعران نامور و مردمی ما بودند. ایشان الگوی اتحاد و اتفاق بودند. الگوی اخوت و برادری بودند. الگوی اخلاق و ادب بودند. این جوانمرد امروز جهان فانی را نظر به بیماری که عاید حال شان شده بود ترک گفتند. روح شان شاد، یاد شان گرامی و خاطرات شان ماندگار. بیایید امروز ارمان ها و آرزوی های این بزرگمرد را با خودش دفن نکنیم. بیایید دست به دست هم داده و به خاطر خوشنوی روح مرحوم و روح هزاران آزاده دیگر راه و روش شان را که همانا یکپارچه گی میهن عزیز مان میباشد تعقیب نماییم:

از نظر افتاده ایم اما گذر در ما یکی ست
آب ما صدپاره و انگیزه دریا یکی ست
خواب ما، چتر خیال و تشنه گی انگار صلح
چنگ ما، نوک طناب وحدت و فردا یکی ست
من زبان، تو هم زبان، ما هم زبانان یک سخن
حرف ما، پندار ما در واژه و معنا یکی ست
یک وطن، یک مردم و یک ملت و یک پاسبان
وسعت جغرافیا بی مرز و این دنیا یکی ست
یک طبق، یک دیگدان و دست یک دسترخوان
در مرام هم دلی هم زشت و هم زیبا یکی ست
روی اخلاص از صبوری قامت ما جیم شد
خیر اگر سر بر زمین است و یا بالا یکی ست
تیشه آوردند تا در ریشه مان زخمی نهند
هی غلط کردیم...، گرچی همت والا یکی ست
صفر نظری فایض

Nasir Norozi Dabaghpour
June 05, 2017

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم
صداقت را به قدر لازمش در سینه کم داریم
ستون اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر

که تاریخ عدالت‌گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی‌معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دوره‌یی تاریخ مان را خون‌بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم
فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سیزینه کم داریم
مرحوم صفر نظری فایض

Mirwais Afzali

June 05, 2017

لحظات قبل با تائر و تالم آگاه شدم که دوست بسیار خوبم شاعر توانا و مستعد کشورم "صفر نظری فائض"
دنیا ی فانی را وداع کرد و به دنیای باقی شتافت .

در این ماه پر برکت رمضان برای خوشنودی ارواح ات دعا میکنم رفیق .
هیچ گاه رفیق گفتن هایت یادم نمی رود و در این لحظه که شب از نیمه گذشته و دعا ها مستجاب درگاه
الهی میشود برایت دعا میکنم رفیق جانم .
روح ات شاد و یاد ات گرامی باد
نمونه کلام فائض عزیزم !

برای دیدن زشتی خود آینه کم داریم
صداقت را به قدر لازم در سینه کم داریم
ستون اقتدار ما، کتابی بسته در زنجیر
که تاریخ عدالت‌گستر از پیشینه کم داریم
تو دوری آفتاب از نسل بی‌معراج در تبعید
به سمت آسمان صد پله راه زینه کم داریم
تمام دوره‌یی تاریخ مان را خون‌بها جنگ است
و در تقویم شب این عبرت دیرینه کم داریم
فقط این نیست: حتی آنچه دیروز اتفاق افتاد
در امروزی که هستیم نسخه از پارینه کم داریم
بهار از چشم ما با صد گل پرپر به آخر شد
به فصل نو شکفتن دامن سیزینه کم داریم
مرحوم صفر نظری فایض

Latif Atai

June 05, 2017

قالو انالله وانا اليه راجعون

باکمال تأسف اطلاع حاصل نمودم که یکی از دوست نزدیک ام استاد صفر محمد فایض از جمله شاعر معاصر نسل نوین که از اثر بیماری سرطان که عاید حالش گردیده بود دار فانی را وداع گفته و برای همیشه به رحمت حق پیوست بنده از خبر مرگ شان متأثر کننده سخت اندوهگین شدم اما چاره جز صبر تحمل نیست این صایع بزرگ و تکرار ناشدنی را برای مدیر صاحب بزرگوار ! نظر محمد فایض تمام اعضای فامیل و دوستانش عرض تسلیت گفته از خداوند متعال برای متوفی جنت فردوس آرزو میکنم و به بازماندگان شان صبر جمیل تمنا دارم آمین.

Nawrooz Ali Sabiti

June 05, 2017

در سوگ دوست عزیزم، صفر نظری فایض
06 جون 2017

چه خوانم ترا؟

طوطی، طوطی ی شگر شکن!
که با گل واژه هایت، شیرین ساختی،
مذاق شاعران را،

و با سرود هایت، معطر ساختی،
دماغ هنرمندان را.

*** **

چه نامم ترا؟

سرو، سرو برومند بوستان ادب!
که با عبارات دلنشین ات،

رسا میان همگان بودی،
و با آرایه های ادبی ی بدیع ات،

صدر نشین باغ شاعران بودی.

*** **

وای!

این شاهین اجل، از کدامین کوچه پر کشید،
و برایت نداد مجال پر زدن را؟

و این تند باد حادثه، از کدام سو وزید،
و افگند قامت برومندت را بر خاک؟

*** **

آن سرو برومند بوستان غزل،

از پا افتاد،
و آن طوطی ی شکر شکن باغِ اَمَل،
شد خاموش، برای همیش.
*** **

نی، نی، او هنوز زنده است،
در میان ما، هنوز زمزمه های دلنشین اش،
در گوش ما طنین می اندازند،
و پژواکی، نجوا کنان می گوید:
«صفر» زنده است!
و یادش،
جاودانه خواهد ماند!

Bakht Begum Sherzai

June 05, 2017

آه میسوزد ولم بر غنچه مرگ آشنا زنده کی را بادلِ پر خنده اش پدرودگفت.
باتاسف باز هم یکی از جوانان گل سر سبد شعرو ادیب توانا صفر محمد نظری فایض در عالم هجرت
از دست دادیم . من از مرگ وسوگ جوان تجربه تلخی در اذهانم دارم و میدانم که چقدر درد جانکاه
واستخوان سوز است. در این مورد فکرم متلاشی گردید نمیدانم با استاد مهربانم نظر محمد فایض چگونه
اظهار تسلیت بنویسم. مخلصانه توقع مینمایم که همانطوریکه در طول زندگی ات با تمام نا بسامانی
مقاومت نمودی با این درد جان سوز هم تن به تقدیر الهی داد و با حوصله مندی از باقی خانواده محافظت
نمایی. برای مرحوم از خداوند متعال آسایش ابدی، برای شما و اعضای فامیل تان صبر جمیل استدعا
مینمایم.

Farid Ghalib

June 05, 2017

مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جست نام چون جاوید گشت، مردنش آسان کجاست

خبر در گذشت صفر محمد فایض جوان مستعد و خوش اخلاق همه ی ما را به سفره ی غم نشانده. اگر چه
مرگ حقیقتی است که هیچ کس نمی تواند از آن انکار کند ولی باور کردن مرگ جوانانی که یک عمر
زحمت کشیدند و بدون استفاده از ثمر زحمات شان، به ابدیت بپیوندند، بی نهایت دشوار است.
عمق مراتب تسلیت خویش را به کاکا نظر فایض، اعضای خانواده مرحوم و سایر دوستانش ابراز میدارم.

Mutaleb Zahoori

June 05, 2017

انا لله و انا اليه راجعون

درگذشت نا بهنگام شاعر جوان و ترانه سرای دیار ما موجب تأسف و تالم فراوان و غم بیکران ما اهالی فرهنگ و ادبیات و درد او زخمی بر ادبیات دیار ما و رحلت این عزیز ما داغی است همیشه بر دل و جان شعر و شاعران معاصر و تمام دوستان و فامیل معزز اش باقی خواهد ماند صفر عزیز تو همیشه با سروده های روحنواز دل و جان ما را نوازش میدادی مگر با هزاران افسوس رفتی و با خاک هم آغوش شدی درگذشت جانگداز صفر جان فائض را به جامعه شعر و ادبیات دیار ما، خانواده مکرم و داغدار و عموم دوستان تسلیت عرض نموده برای آن عزیز سفر کرده مغفرت الهی مسئلت دارم...

Bahman Zarakhsh

June 05, 2017

بازم یک درخت پر بار و به ثمر رسیده از بوستان ادب شغنان خشکید و برچیده شد. مرگ حق است ولی مرگ نا بهنگام جوانان قلب انسان را میفشارد و داغدار میسازد.
گلچین روزگار عجب خوش سلیقه است
میچیند آن گلی که به دنیا نمونه است
هیچ باورم نمیشود که این شاعر خوش کلام و استاد مدبر دیگر در میان ما نیست و هرگز دیگر شعر تازه اش را نخواهیم خواند.
خیلی درد آور است
برای استاد صفر گرامی بهشت برین و برای فامیل و دوستانش صبر جمیل از ایزد منان استدعا مینمایم
انالله و انا اليه راجعون

Ahmad Jawed

June 05, 2017

خداوند بهترینها را از بین ما میگیرد. روح تان شاد و یاد تان همیشه در بین ما زنده باد عزیزان!



Mohibali Shirzad

June 05, 2017

با تأثر و تألم اطلاع یافتیم که مرگ نا به هنگام شخصیت نا تکرار، شاعر توانا و شیرین کلام دیار ما را از ما گرفته و دیگر با ما نیست، واقعاً از شنیدن این خبر توازن فکری و روحی ام از دست دادم و سخت اندوهگین شدم.

در گذشت این جوان نامراد را به کاکا بزرگووارم پدر مرحومی، فامیل و تمام عزیزان شان تسلیت عرض میکنم و خود را در غم شان شریک میدانم از خداوند متعال برای همه شان صبر جمیل و برای مرحومی بهشت برین آرزو میکنم. ما همه از خداوند ج هستیم و بسوی او بر میگرددیم.

Farid Jahani

June 05, 2017

آخرین پیام هایکه با برادر عزیزم صفر (نظری) فایض داشتیم بعد از این پیامها دیگر نتوانستیم که صدایشان را بشنوم خیلی درد آور است تو رفتی و همه ما را داغدار ساختی روح شاد و جایب بهشت برین باد!



Aman Hussaini

June 05, 2017

وختی تیداوئ تو پُره نه فُد
تویدنت بعدئ تو تیداو ، مو یوبنک بارون سوت
دل پرم مس خو څه تود ، که یی مو زارد آروم سوت
وختی تیداوئ تو پُره نه فودت ، تویدت تو
مهرگی زابنت جونئ تویت، بعدئ وئ لپ بنیمون سوت
فایض عزیز..!

از بنداوئ مرگ نا به هنگومئ تویم لپت خسته یت افسرده سوت.. تیداوئ تو لپ ضرر بزرگ برای مردم
افغانستان (خاصاً خبرنون)....
از خدوی جان بهیست تور د طلبم و برئ خوانواده، اقارب قوم تو و فکه دوستونرد صبرت ، بردباری از
خدوی جان طلبم..
انا لله و انا علیه راجعون..

Quwat Nero

June 09, 2017

بمناسبت درگذشت عزیز مان صفر محمد فایض

برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست بجز از نیک بختان مدرک و آثار میماند
« صفر محمد فایض »

این دو مصرع را از شعر (سوگنامه) که بمناسبت در گذشت عقیف باختری چند روز قبل از رحلت شان
نوشته اند برگزیده ام . این سوگنامه در قالب شعر بعنوان ابراز سوگواری بسبب درگذشت جنت مکان
عقیف باختری نوشته و نشر گردیده است . این شعر عالی و در عین حال اندوه گین از قلب پاک و صاف
صفر محمد فایض باواژه ها و کلمات و نکته های زیبا بیرون آمده ؛ که تو گویی آن جوان معصوم حالت
خود را نیز درین شعرش انعکاس داده است . زمان نوشتن این شعر دقیقاً آن روز های بوده که خود
صفر محمد با بیماری اش مبارزه میکردو درمان ها و چاره ها می جست . او درین شعر لا علاجی بیماری
هایرا که سرانجامش مرگ هست را بیان داشت و در نهایت همه ی ما را تسلیت داد که برای مرگ آدمی
دلیل و درمانی وجود ندارد (هر موجود زنده شربت مرگ را چشیدن نیست) و هم بما پیغام داد که نیک
بختان را در قلب ها و در مدارک و آثار شان سراغ کرد که از خود میمانند . صفر محمد با وجود همه تلاش
ها و درمانها برای علاج بیماری اش ، از میان دوستان ؛ وطنداران و خویش واقارب برای ابد پرواز بی
برگشت کرد و جایش را برای همیشه خالی گذاشت . اما خوشا به حال آن نیک بخت که در قلب ها و در
آثارش جاودانه باقی میماند ، او درین مدت از عمر کوتاه خود چنان شهره شد که هم در قلب ها جاه گرفت
و هم از خود مدرک و آثاری باقی ماند.

این تسلیت (صفر محمد فایض) بهمه ی ما و بخصوص به فایض صاحب بزرگوارو کاکاهایش محترم

شنبه بشردوست ، یارحسین شغنی و راز محمد که بیک نسب فرزندانش میشدند و همه خویش اقارب است که صبر و تحمل این غم سنگین را داشته باشیم . اکنون بر همه ی ما دین بجا مانده که عبارت از جمع آوری و نشر و چاپ آثار و مدارک اش باشد را ادا نماییم .

تسلیت و صبر جمیل به همه ی شما و یاد این عزیز مان گرامی باد !

شیما مهجور

June 7, 2017

چرا می گویند راه زندگی دراز است ؟
آخر همگان که یکسان عمر نمی بینند ؟ عده ای زندگی را تا آخر میروند و اندی هم تا نیمه های راه میروند و کسانی هم در شروع می انجامند .
" صفر نظر فایض " شاعر جوان که چون عقاب اوج پرواز و اژه های شعرش در آسمان هنر و ادب و دنیای شعر قله های موفقیت را پیموده بود ولیک چه دردناک و دریغ که مرگ او را درید و در دیار غربت و بیماری ناسور سرطان با ارزوهای بزرگ اش و با شعرهایی که هنوز هم در بطن احساس اش نفس می کشید به دیار ملکوتی پیوست ...
با دریغ و افسوس چه زود عزیمت دورها را کرد و او با این همه افکار ناب اش دراز راهی را باید میرفت

...
با شنیدن خبر دردناک مرگ اش ساعت ها در جایم میخکوب ماندم و حتی قطره های اشک هم در گونه هایم سنگینی این درد را از گلویم دور نکرد . او یکی از بهترین شاعران دیارم و دوست نهایت خوب و مهربان من بود که سالیان درازی از طریق دنیای مجازی با او آشنایی داشتم و هر بار پای سروده هایم صفایی میبخشید .
اخ مرگ ...! مهمان ناخوانده که این روزها درب قلب هر هموطنم را با بیرحمی می کوبد و در سوگ شان همه مان خون می گرییم ..

.. فایض عزیز ... امروز تو رفتی و فردا من میروم و کس دیگری ... عمری زیستن و در دل هاراه پیمودن و یکروز و در یک لحظه همه را ترک کردن , اینست حکم تقدیر همه ء مان ...
شور سفر همه را فرا میگیرد و دوستان و عزیزان و فامیل را به سوگ می نشاند .
چه تلخ است نبودت و خاموشی ات و سکوت ابدی ات در عین جوانی ات ...
در سوگ ات مانند دیگر دوستانت اندوهگینم و چنین ضایعه بزرگ ادبی را در هر شعر و قلم مان فریاد گر خواهیم شد , چون تو با همه سرشت پاک و نیکویی ها رخت سفر بستی ... و تو جاودانه ایی ...!
و یاد تو در هر شعرت و غزلت با ما نفس می کشد و تو آرام بخواب و جایگه ابدی ات پر نور باد ای عزیز که مرگ ات را باورش سخت است .

...
ش . مهجور . بلجیم

...
آخرین غزل و آخرین ورژن 2016

در این شب‌ها رفیقم شعر و گیتار است می‌دانی؟
 برایت در دل من قصه بسیار است می‌دانی؟
 به روی تخت خوابم می‌کشم تصویر رویت را
 شبانگاه چشم من بی‌وقفه بیدار است می‌دانی؟
 دل من گریه دارد، درد دارد، غصه‌ها دارد
 درون سینه قلبم سخت بیمار است می‌دانی؟
 تو مثل سایه نزدیک منی، این بخت بد اما
 میان ما دوتا صد پله دیوار است می‌دانی؟
 تو مجنون خودت در این حوالی می‌توانی یافت
 سرم در کوچه و در روی بازار است می‌دانی؟
 اگرچی از رسیدن تا تو حالا ناامیدم من
 ولی تلقین دل یک لحظه دیدار است می‌دانی؟
 صفر نظری فایض



غروب لحظه‌ها تا شام دیگر فرصتی با تو
 شب از آغاز و تا فرجام دیگر فرصتی با تو
 انار رنگ لب‌هایت به دندان هوس خوردن
 که هریک بوسه تا ارقام دیگر فرصتی با تو
 مثلث شکل می‌گیرد برای تنگی آغوش
 غنودن در برت تا کام دیگر فرصتی با تو
 شب پروانه بودن بر حریم عطر گیسویت
 مجال سوختن تا دام دیگر فرصتی با تو
 بنوشم جرعه‌ای از شیرهای انگور لب‌هایت
 که این پیک ازل تا جام دیگر فرصتی با تو
 پلنگ اشتهاهای من به آزار تنت افتاد
 من بدنام را تا نام دیگر فرصتی با تو
 تو ای آهونزاکت، دختر مهتاب هندوکش
 غزل با سوژه تا الهام دیگر فرصتی با تو
 ص ن (فایض)

Raziullah Sadid

June 10, 2017

رفتنت هیچ قابل باور به هیچ هم دیارت نیست، فائض عزیز. روح شاد ویادت جاویدان باد.

Malik Waqif

June 10, 2017

عرض تسلیت خویش را برای استاد فایض و خانواده عزتمندش تقدیم و برای استاد عزیز و فامیل محترم شان صبر جمیل خواهانم.

درون سینه ای ما داغ ماندی
سیه پوشی به ما چون زاغ ماندی
تو رفتی داغ حسرت بر دلها ماند
صدایت خفته در خاک سیاه ماند
غزل را بعد از این کی میسراید
ندایت بعد از این کی میبراید
دریغا! حسرتا! دردا از این غم
که سوختیم همچو پروانه درین جمع
تو رفتی آسمان چون ما گریسته
غزل نیز همچو ما در غم نشسته
اگر چه زنده یاد هستی در عالم
نکو نامی نشان ماند ز آدم
م * واقف *

Qurban Ali Mashar

June 10, 2017

یک قطعه شعر مخمس آغای امان الدین روشن درباره درگذشت شاعر فرهیخته دیار ما صفر محمد فایض مورخ 20 جوزای 1396 در شهر کابل سروده شد.

در این گیتی نه سر نی سرور و سردار میماند
ولی نام نیکو یک نقطه از پرگار میماند
سخن از گفته و گفتار معنی دار میماند

تورفتی بعد ازین شعر تو ناتکرار میماند
فقط دیوان تو در سینهء پندار میماند

تو رفتی زین سرای پنج روزی سوی جایی سبز
بروح شاد یعنی جانب باغ و سرایی سبـز
عبای نیل فام و مشکبار و باقبای سبـز
تو رفتی از میان این جماعت باندای سبـز
که این متروکه پشت گام تو آوار میماند

دگر کس چون صفر فایض چنان فکرت نخواهد راند
چو چشم اهل بینش بعد ازین باسوی در و اماند
عفیف آن شاعرری پرتوفشانرا بذر گل افشاند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب تنها لمحہ دیدار میماند

حیات پر بها گر روزگار رو ماه و سالی بود
بجز اندوزش علم آن همه خواب و خیالی بود
جهان آینه سان صورت نمایی بی و صالی بود
چو آسان پر کشیدن بر فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار میماند

اگر در رفتن تو ذهن ها از کار افتادند
ویا فسرده همچون خاطر بیمار افتادند
بهر حالت بحکم زندگی ناچار افتادند
تو رفتی سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تہء دیوار میماند

دلی حسرت کش انسان اگر خار و ذلیلی نیست
بدین رفتن ولیکن از جرس بانگ رحیلی نیست
برشنا و نویدی و عـدیم و یا خلیلی نیست
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار میماند

چنین گویند یارانت بوجه کام تلخی ها
اگر در غره مه یا که اندر حین سلخی ها
بدخشانی و بلخیها بدین مضمون الخیها
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخیها
درخت معرفت در شهرتان پر بار میمند

ز بهر رفتن تو شور در دریا زماهی است
 کجا هر شاعری را چون تو داد داد خواهی است
 گدایی گر به شهر حسن خوبی پادشاهی است
 تو رفتی چند روزی ماتمم گورسیاهی است
 و نامت در طراز سر خط اخبار میماند

Waheedullah Ghalib

June 12, 2017

مرحوم صفر "فایض" تو جای جنت برین قد ات تو جماتین ات دوستین ارد از خدای جوون صبر ات
 حوصله مندی طلاؤم رضای خدای قتیر یی چند ات زور نست.
 شعر : وحیدالله "غالب" اند



مرحوم فایض تو جای جنت برین اند

ای شاعر خُش کلوم فک ات قین تو جات	خبرنؤن زمین اتا هوا بنین تو جات
یوونکی درون، بستاؤخی پروین تو جات	توات توید اما تو شعر تا زنده تو کبیت
توات زیل رباب اما یی زیل ات تو زدنیت	توات بلبل باغ اما تویت تیز رویت
توات قد قلم ات خو رانگ قتیر ات تو فُریت	توات گل قد اتا بهاریت ات یو خه ریت
ار خؤند اگا شج تو خاک گلستؤن کنام	نیودانندی خو یوونکی خؤندی بارؤن کنام
بنیداو گا تو شعر نو خو ارمؤن کنام	کای بافت تا اجل قتیر فک ات جای ذا خبیت
"غالب" تویتا فک ات رفیقین یی جا	فردوس برین وی جای ویردام دعا
از مارگی یی چایی نست ای دوست جدا	از دستی وی تاُم فک ات وطن یوونکی خه ریت

شاعر: وحیدالله "غالب"

Humans of Pamir

June 10, 2017

We belong to Allah and to whom shall we return!

Safar Muhammad Fayez s/o
Nazar Muhammad Fayez was born on 28th August 1981 in Sheduj valley, Shughnan district of Badakhshan, Afghanistan in an educated family. After completing his high school in Sheduj, Shughnan, in 2002 he started German Literature in Kabul University and in 2006, he got



his bachelor degree. Safar went to Duisburg University Germany and did his masters. Safar was counted as a best student in the whole academic career. He got internship opportunity in Germany with other fellow candidates from 35 countries which had a great impact on his life.

Since his childhood, he had great interest in poetry, and has written many poetry. Recently some of his poetry was published in a book named "Modern Poets of Shughnan" by Mr. Iqbal Hesam.

This world is not an eternal place for mankind, Safar Nazari Fayeze was also a guest for a few days in this world, so he was suffering from cancer and passed away in his young age on 4th June 2017 and joined eternity.

He worked as translator with German forces in Mazar Airport for 9 years. In February 2014 he immigrated along with his family to Germany and settled in Dormagen, Germany. He had two children, one son, Ramish 9 years old and a daughter, Samira 6 years old, who are living with their mother in that city now.

He was not only a good poet, but also he was a good musician, tracer, singer and writer. And at the same time he was good in carpentry, architecture, and was a good electrician. But alas! Fate did not give him the chance to use all this elegance in the development of his community and country.

May God rest his soul in peace!

Nazar Faez

June 08, 2017

پدر جانم اکنون که میخوام در باره ات بنویسم چیزی به یاد ندارم فکر فرسوده و استهلاک شده من یاری ام نمیدهد ، گو اینکه کرخت شده و از کار افتاده است واژه و گل واژه ها هم میل بازی و استفاده از خود را ندارند از من گریخته اند ، دور دور که دسترسی به آنها بیعید است و مشکل . نوشتن کلمات بد در باره ی خودت را خوش ندارند چون با خودت زیاد محشور و مانوس بودند . آنها زیب خود را در اشعار و نوشته های زیبای خودت میدیدند زیرا هنر استعمال و استفاده مناسب ، چیدن و پهلوی هم قرار دادن آنها را مثل جواهر خوش تراش نسبت به من خودت بهتر بلد بودی . میگویند : سخن از دهن لقمان خوش است . به شیرینی سخنان خودت پدر ناتوان و درمانده ات گفته نمیتواند و تظاهر هم به لطف سخن و شیرینی محضر خود نمیکند ، این حق تو و سزاوار تو بود پسر عزیز من . هنوز باورم نمیشود نی گفته نمیتوانم نی نی نمیگویم هرگز .

Yarhussain Shughni

June 08, 2017

Picture from s.sh

Aqlimah Sakhizad

June 08, 2017

سکوت تلخ و غم انگیز همه جاه را فرا گرفت بود؛المناک و طاقت فرسا؛چنان با هیبتی که حتی به مشکل به باور می نشیست،که جوان تحصیل یافته، اهل فرهنگ و هنر(صفر نظری فایض)شاعر فرهیخته و شرین کلام دیارما ،امروز رخت سفر بست و برای همیشه از پیش خانواده،اقارب، دوستان و هوادارنش رفت و دیگر بر نمیگردد و سر آمد روزگار را با واژه های شیرین و دل انگیز نمی سراید.....
این ضایع بزرگ رابه استاد بزرگوار نظر محمد فایض و خانواده محترم شان و تمام فرهنگیان تسلیت عرض میدارم واز خداوند بزرگ برای این ابرمرد شعر و ادب آسایش ابدی و برای باز ماندگان صبرجمیل آرزو مینمایم.

Dennise Shughni

June 08, 2017

اه !!!! ما ما جانم, به راستی تنهایمان گذاشتی؟؟؟ وووو!!!! بییی

June 08, 2017

به اطلاع دوستان رسیده میشود که فردا روز جمعه، مراسم فاتحه شاعر و نویسنده جوان، آزاده و نیکو، زنده‌یاد (صفر نظری فائض) از ساعت ۱۰:۳۰ یک و نیم ظهر تا ۳ سه‌بجه در جماعت‌خانه عمومی تایمی شهر کابل برگزار میشود.

برای معلومات بیشتر میتوانید به این شماره تماس بگیرید:

۴۴۲ ۶۶ ۲۰ ۷۰ ۰۰۹۳

بهار رویایی

امسال یک بهار پر از گل بیاورید
بوی خوش از نزاكت سنبل بیاورید
خواهید اگر که خنده‌ی تان جاودان شود
لبخند نو به مردم کابل بیاورید
تا از دماغ خسته‌ی ما غم شود برون
عطر از حریم خرم کاکل بیاورید
از سینه عشق، از نی آواز خود سرود
هنگامه در ترانه‌ی بلبل بیاورید
یک دشت واژه گل‌بزنید در تن بهار
صد خوشه رنگ و بوی تسلسل بیاورید
کاخ بلند دهکده‌ی " همدلی " شده
نوروز مان به اوج تجمل بیاورید
باغ محبت دل تان پرشگوفه باد
یک سینه جایگاه تحمل بیاورید
من از حضور سبز شما دل نمی‌کنم
دریا شوید و موج توصل بیاورید
ص ن " فایض "

بی اعتمادی

ترسم از باریک‌راهی تنگی اندیشه ها
هرطرف کوه‌پاره‌ها فرش مسیر شیشه ها
ترسم از روز مبادا، از تبر، از خشم تیغ
از برقصاندن به خاک اندام ناجو، تیشه ها
ترسم از جویی که با خونم زمین را آب داد
از گیاه هرزه روییدن به فرق ریشه ها
ترسم از این ساختمان های بلند قبله‌بوس
از مهندس، خشت و از معمار جدیدپیشه ها
ترسم از کابوس بی‌پایان ارواح سکوت
از تراکم، خشم و از دوزخ-فرا تر بیشه ها
ترس من از وحشت جنگل نبود؛ بیت اول:
بل که از " باریک‌راهی تنگی اندیشه ها "

ص ن " فایض "

زورآوری

چرا از نردبانِ باورِ خود بر نمی‌گردد؟
به پا* ات رفته‌ای بالا، که هرگز سر* نمی‌گردد
تو در آواره‌گی چون توده‌هایِ ابرِ سرگردان
زمین تا آسمان آسایشِ بستر نمی‌گردد
مریض هستی، مریضِ التهابِ کینه‌جویی‌ها
که دردت می‌شود بدتر، ولی بهتر نمی‌گردد
تنت خشکیده‌تر از دامنِ صحراي بی‌حاصل
که آمو در تو جاری هم شود، هی تر نمی‌گردد
غرورت در رکابِ باد های تند یک ساحل
خیالت در هوا پر می‌زند، شهر نمی‌گردد
تنِ سختِ بلوطی ات بجز آتش چه کار آید؟
کلفت اندامِ غول‌آسا، خم و چنبر نمی‌گردد
تو آن ده‌سیره بودی، هستی و ده‌سیره خواهی ماند
به مثقالی از این یابوگری کمتر نمی‌گردد
همان‌جا باش،... اما گندیده‌گی ات را ببر آنجا
اگر... "از نردبانِ باورِ خود بر نمی‌گردد"
ص ن " فایض "

هر نسل که گهواره‌ی میراثِ تفنگ است
در فطرتِ او سابقه‌ی عادتِ جنگ است
وحشت که فراگیر بر اقلیم خرد شد
جغرافیة مغز کمین‌گاهِ پلنگ است
گندیده‌ترین لاشِ سگ از سفره‌ی مُرداب
بلعیدنِ این ذائقه آدابِ نهنگ است
آیینۀ توافق که ندارد به دو رویی
راهِ سفرِ عاقبتش شانه‌ی سنگ است
قلبی که به پهنای خودش ره نکند باز
یک بغضِ ورم‌کرده‌ای در سینه‌ی تنگ است
تاریخِ رقم‌خورده‌ی ما " لاف خیالی "
چیزی که به ظاهر همه افسانه‌ی رنگ است
من چشمِ قلم را نتوان کُور کنم، تا
" پیشینه‌ی تاریخِ تو " شرم‌آور و ننگ است

ص ن " فایض "

دیوارِ حتا کم‌کم از ایستادگی‌اش سخت دل‌تنگ است
از بس که بر دوشش شعار و عکس‌های چال و نیرنگ است

ها بلهوس‌های سیاسی، تیکه‌داران زبان و قوم
معلوم شد، افسانه‌های شوم تان تمثیل فرهنگ است
دریای خون حتماً اگر جاری شود، فرقی ندارد که-
عشق شما احراز کرسی‌ها و تاج و کاخ و اورنگ است
پای رسیدن تا فراسوی امید الان بعید از ما
چون احتمال هر قدم با نردبان راه فرسنگ است
بیزارهای زندگی از روشنی، از نور دلگیراند
از شهر تان آسوده‌تر کنج سیاه " چاه ارزنگ " است
بعد از وضوها تان به دریا تخم ماهی کنده شد، اما موجود گندآشام دیگر زنده در مُرداب خرچنگ است
ص ن " فایض "

دامن شرم به تُنبان گره خورده، عجب
هر زبان، ریشه به دندان گره خورده، عجب
نفرت از قحطی این دور ترین فاصله ها
جاده با روح بیابان گره خورده، عجب
چهره در زشتی صد پرده، سیخ‌نامه‌ی شب
حُسن آینه به سندان گره خورده، عجب
اشک ما وسعتِ مقدار به رُودابه‌ی غم
چشم دریاچه به تُوفان گره خورده، عجب
تا به انسان شدنم فاصله‌ها مانده، ولی
پا به صد ولچک زندان گره خورده، عجب
شعر من تا به لب ساحلِ آمو نرسید
راه این قصه به پایان گره خورده، عجب
ص ن " فایض "
یک غزل عاشقانه تقدیم دوستان فرهیخته:
عمری به الجزایر مویت نمی‌رسم
با ماهتاب جلوه‌ی رویت نمی‌رسم
من قطره از تراکم این رود اضطراب
هرگز به آبشارِ گلویت نمی‌رسم
جامانده ام میانِ دو سنگی، که آسیاب
می‌چرخد و دوباره به سویت نمی‌رسم
گل کرده ای، بهار تنّت عطر می‌دهد
تا کهکشانِ جاده‌ی بویت نمی‌رسم
تو می‌روی به پشتِ سپیدارِ بختِ خود
حتی که در مراسم طویت نمی‌رسم
شاید تو با فرشته‌ی عشقت رسیده ای؟
من مانده ام که ذره به شویت نمی‌رسم
ص ن " فایض "

از دستِ بیشه‌زار تنفر بجای ماند
جنگل برای رنج و تکرر بجای ماند
یک کهکشان رفاقتِ آدم غروب کرد
ابر سیاه نقابِ تمسخر بجای ماند
در انزوای خانه‌ی احساس بی طلوع
انگیزه‌ی خیال و تصور بجای ماند
از نعشِ بوگرفته‌ی سگ‌های کوچه‌گرد
جز خرمگسِ روالِ تکرر بجای ماند
می‌شرمم از غرورِ اهالی این وطن
آینه در غبار تکبر بجای ماند
گوزی زدیم و بعد به زانو نشسته ایم
رسواترین روایتِ آن "ثر" بجای ماند

ص ن " فایض "
یک شهر در غوغای گیسوی تو افسانه
از گردش چشمان آهوی تو دیوانه
دلدادگانِ صورتِ زیباپری اینجا
در حلقه‌ی محرابِ ابروی تو پروانه
گشتارگاه چشمِ عام و خلق صد منصور
در لایه‌های زلف جادوی تو زولانه
عاشق برای ماهتابِ تختِ هندوکش
از یک بیابان تا فراسوی تو بی‌خانه
صد دل به یک چشمک زدن آباد کردی و -
همسایه‌ی دیوارِ پهلوی تو ویرانه

ص ن " فایض "
تک بیت‌هایی از هفت-هشت سال قبل
کسی به رغبتِ خود اختیار دنیا را
بکف نیارد و هم نی کسی بکف آرد

بیم آدم مرگِ ناهنگام فصلِ زندگی ست
ورنه رنگِ پرشکوه گل خزان هرگز نشد

ما سینه پاره ایم ز هجرانِ دوستان
چون از دیارِ رحمتِ ایشان جدا شدیم

اسرار دل به کس تو مگو، چونکه اعتبار
در بین خلقِ عالم این روزگار نیست

ما غریبان را تمام آرزو نانِ جو است

گی به دسترخوان شاهان دست اندازی کنیم

از غبار ما فلک رویت حجاب آویز شد
تا نبیند عیب رخسار تو چشم شرم ما

از محبت داد و فریادم زدن بیهوده است
چون وفا را سوختند و نام او خاکستر است

گلشن فصل بهار هرگز نمی باید ابد
عاقبت سرمایه اش مشت خزان بیش نیست
ص ن "فایض"

سحر فایض

June 08, 2017

برادر جان
به فردای که دیگر ز تو خالیست
فقط نامت بر روی لوحه باقیست
وای وای هنوز به رفتنت خیلی زود بود چقدر زود رخت سفر بستی
با رفتنت هزاران نفر را در سوگ نشاندی شب و روز برای صحت یابیت نزد الله متعال دعا کردم ولی
دعایم قبول نشد خب با کار خدا و با تصمیم او تعالی چی میتوان کرد جز صبر و تحمل اما کجا دل طاقت
دوریت را دارد اصلا باورم نمیشد که امروز جنازه ات را ببینم و با دل پر از آرزو و ارمان همراهیت خدا
حافظی نمودم و به خاک تاریک بسپامت
یا الله درد دادی لطفا طاقت تحملش را هم بتی
برادر جانم جنت جایب باد

بانو ترکمن جمعه زاده

June 08, 2017

با رفتنت این جهان تیره تر از دیروز شد
ای تورفتی جان برادر خانه و صفت بجاست .
بلاخره گردش ایام بجا می کشد که به لقاء پروردگار خود بی پیوندیم ،
وفات شاعر عزیز جناب صفر نظر(فایض) یک ضایع بزرگ برای خانواده بوده.
از بارگاه الله منان برایش بهشت برین جنت الفردوس تمنا دارم برای بازماندگان آن تسلیت عرض میدارم
خداوندج صبر جمیل عنایت بفرماید..
روح اش شاد یادش گرامی باد. !
انا الله و انا اله راجعون ...

Ahmad Faez

June 08, 2017

تو رفتی بعد ازین شعر تو نا تکرار میماند
فقط دیوان تو در سینه پندار میماند
برادرم چرا اینقدر زود همه ما را تنها گذاشتی و رفتی چرا اینقدر زود رخت سفر پوشیدی تو رفتی ماره در
آتش غم گذاشتی خاطرات فراموش ناشدنی ات را بجا گذاشتی و رفتی
برادر مهربانم روح شاد و یاد گرامی خداوند بهشت برین نصیبت کند .

سحر فایض

June 08, 2017

برادر جان
به فردای که دیگر ز تو خالیست
فقط نامت بر روی لوحه باقیست
وای وای هنوز به رفتنت خیلی زود بود چقدر زود رخت سفر بستنی
با رفتنت هزاران نفر را در سوگ نشاندی شب و روز برای صحت یابیت نزد الله متعال دعا کردم ولی
دعایم قبول نشد خب با کار خدا و با تصمیم او تعالی چی میتوان کرد جز صبر و تحمل اما کجا دل طاقت
دوریت را دارد اصلا باورم نمیشد که امروز جنازه ات را ببینم و با دل پر از آرزو و ارمان همراهیت خدا
حافظی نمودم و به خاک تاریک بسپامت
یا الله درد دادی لطفا طاقت تحملش را هم بتی
برادر جانم جنت جایب باد

Sümāñ Fäëz

June 08, 2017

برادر جان تو جام اجل را نوشیدی و رفتی به خانه ابدیت اما همیشه در قلبم زنده هستی با خاطراتت زنده
گی میکنم.

Guldasta Aman Shaheidi

June 08, 2017

بازگشت همه بسوی اوست
مراتب تسلیم خویش را به مناسبت مرگ نا بهنگام برادر فرهیخته و دانشمند ما صفر محمد فایض را به
خانواده محترم شان ابراز داشته و از امام زمان برای از دست رفته بهشت برین و برای خانواده مرحوم
صبر جمیل و جزیل استدعا میکنم.

اظهار تسلیت!

درگذشت نا به هنگام جوان برومند و شاعر توانا و نازک خیال صفر محمد(فایض) را حضور دوستان گرانقدر هریک محترم نظر محمد خان فایض, محترم یارحسین خان, اعضای خانواده و دیگر خویشاوندان شان را با قلب های مالامال از غم و اندوه, تاثرات بی پایان خود را تقدیم نموده برای فرد فردشان تسلیت میگویم و جهت تسکین قلب های جریحه دار شان از بارگاه خداوند مهربان استقامت, شکیبایی و صبر جمیل استدعا دارم.

برادر محترم نظر محمد خان فایض, نمیخواهم در این تاریکی غم و اندوه شما را درد سر بدهم و در مورد شخصیت و توانایی جوان با استعداد ولی ناکام صفر محمد فایض که با یک عالم آرزوهایش چهره در نقاب خاک پوشانید و به جاودانی پیوست چیزی بنویسم, زیرا نوشته های تمام دوستان و وطنداران در صفحات فیسبوک و تشییع جنازه و تابوت گلپوش آن مسافر دیار آخرت در کابل نشان داد که این جوان با استعداد و مهربان در دل های مردم چه اندازه جا داشته و با نوشته های اشعار واقع بینانه و دل انگیزش دوستداران شعر و ادب را

مجدوب خود ساخته است. روی شخصیت برازنده و نوشته های فرهنگی و ادبی این جوان ادب دوست بود که احساسات من هم بر انگیزته شد و با قریحه نا توانم در رثای آن پارچه شعر ذیل را برشته قلم آورده برای عزیزان و ادب دوستان آن مرحومی تقدیم مینمایم.

ارمان وطن

طوطی شیرین سخن رفت از گلستان وطن
شمع محفل شد خموش اندر شبستان وطن
نونهالی تا به باغ زندگی شد بارور
همچو شاخ گل شکست اندر بهاران وطن
شاعر شیوا بیان و نکته دان و نکته سنج
رفت از این انجمن با آه و ارمان وطن
بود همراهش قلم, در شادی و هر درد و غم
می سرود اشعار بهر دردمندان وطن
با سر پر شور و عشق میهن و خلق پریش
بود دور از میهنش دایم غزل خوان وطن
موج طوفانزای طبع (فایض) روشن ضمیر
بود چون امواج آموی خروشان وطن
مرغ روحش حسرتا, شد جانب خلد برین
در دیار جرمنی و نار هجران وطن
گرچه (فایض) رفت زین محنت سرا و درد و غم
لیک نامش زنده است, تا روز گاران وطن
یا الهی پیر و برنا را مکن تو داغدار
در غم فرزند شیرین و جوانان وطن
رسم و آئین است (ظهوری) در جهان زندگی
میرویم هریک به نوبت با عزیزان وطن

Gulnazar Farhad

June 08, 2017

تقدیم به قومان سوگوارم،
روح صفر نظری فایض فقید شاد و خاطراتش جاودانه باد!

Nawroz Ali Sabiti

June 08, 2017

مخمس بر غزل شاعر نا تکرار دیارم صفر محمد فایض

صفر عزیز!
در زندگانی ندیدمت، معرفتم با خواندن اشعارت با تو حاصل شد، سلام و احوال پرسى فزىكى گاهى هم
نداشتیم، من در امید نشستن بیای شنیدن اشعار نابت از زبان خودت بودم که میگویند تو دیگر با ما نیستی،
آخرین وداعیکه شایقین شعرت همه با تو داشتند آنهم برایم میسر نشد، من نه زنده ات را دیدم و نه بر
مزارت حاضر بودم، پس نمیپذیرم که تو رفته ای! تو زنده ای و حضور داری در میان ما در قالب
اشعارت، خواستم برای تسکین دلم از برای نبود تو چیزی را بنویسم اما نتوانستم چیزی بهتر از تکرار
کلام تو به اضافه کلام خرد و ریزه از جانب خودم باویرایش نکاتی از این مخمس توسط برادرم استاد
«ثابتی» به آن، پیدا نمایم!

روح ات شاد و خاطراتت در دلها مانا باد!

«صفر» اندر غمت روزم به شام تار میماند	ندا اندر گلویم خفته چون بیمار
نبودت در میان ما افسبار میماند	«تو رفتی بعد ازین شعری تو ناتکرار
میانمید	میانمید
«فقط دیوان تو در سینه پندار میماند»	
حضورت در میان ما ز قلب با صفای سبز	محبت کاشتی در دل همی با آن نگاه
سبز	
ز دنیا رخت بر بستی به دستانت لوای سبز	«تورفتی از میان این جماعت با ندای
سبز»	
«که این متروکه پشت گام تو آوار میماند»	
سرود عشق را زین پس، برگل هم نخواهد خواند	و یا در وصف مهرویان و کاکل هم نخواهد
خواند	

به بزم ساز هر مطرب به سنبل هم نخواهد خواند
«برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند»
«سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار میماند»

سرشت آدمی هرچند ز اول یک کلالی بود
بدل از بدو پیدایش ملائک را
سوالی بود
ولی در خلقتش حقی که خالق را کمالی بود
«چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود»
«که در چشم تری آئینه ها اسرار میماند»

نگون در سوگ تو یاران دل خونبار افتادند
غریو و ناله سر داده همه اشکبار
افتادند
ز بزم شاعران با رفتنت اشعار افتادند
«تورفتی سوژه ها از رونق بازار افتادند»
«زمین جنب است و آثارت طی دیوار میماند»

به میدان ادب در جایگاه تو بدیلی نیست
خموشی حاکم است برما ببین یک قال و قیلی
نیست
دوا و درد انسانرا بجز ذات جلیلی نیست
«برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست»
«بجز از نیک بختان مدرک و آثار میماند»

تو ای مرد خموش و مایۀ انواع خوبی ها!
تو ای پیمانۀ نوش محفل تک بیت
خوانی ها
تو ای سرتاج نظم و سوژه اشعار پارسی ها!
«تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها»
«درخت معرفت در شهر تان پر بار میماند»

سرشک در هر دو چشمانم نشان سوگواری است
و یا اندوه قلبی ام گواه بر یک جدایی
است
برای مردم شغنان نبودت یک تباهی است
«تو رفتی چند روزی ماتم گور سیاهی است»
«و نامت در طراز سر خط اخبار میماند»

Farrukh Hadi

June 08, 2017

سر انجام به خاک سپاریدمش، صفر نازنین، سلطان دل های مان را. چه حیف، چه ضایعه ی هولناکی.
صفر رفت به سفری که برگشت نخواهد داشت.
یکی از شعر هایش که به احتمال زیاد در جریان مریضی اش سروده شده:

غم مخور، دنیای غم ناآشنا پیرت کند
این پلنگ پیر رنج آور زمین گیرت کند
تو به فکر آن مباش اصلاً و از فردا مترس
هی که تا فردا به یک افسانه درگیرت کند
خنده کن، مستانه زی، قل قل بزن کنیاک را
ری نزن ورنه که بی اندازه دل گیرت کند
این که آزاد آمدی، تا کهکشان آزاده باش
چرت زندان را مکن جایی که زنجیرت کند
مرگ از روز اول بر لوح پیشانی توست
نقش این دنیا فقط در قاب تصویرت کند
دست تسلیمت اگر بالا کنی در بُرد و باخت
فیل های دوزخش پامال تقدیرت کند
درس دنیا برگ تاریخی که پیش از ما نوشت
پس خودت بهتر بگو حالا چه تحریرت کند؟
صفر فایض نظری

Nawid Asas

June 08, 2017

امروز ساعت ۱۰:۳۰ بعد از ظهر، پیکر شاعر جاودانه ما، دادر صفر عزیزم با آقای کارگر بزرگوار، از
کشور آلمان به میدان هوایی کابل میرسند.
نماز جنازه ساعت ۳ بعد از ظهر، در جماعت خانه عمومی چهارراهی تایمنی خوانده خواهد شد.
بعد از ادای نماز جنازه، مکان تدفین- خاکسپاری : چهارراه قلعه موسا، سرک پهلوی خانه جنرال
دوستم، تپه بی مارو میباشد.
برای معلومات بیشتر میتوانید با جناب کاکای بزرگوار تماس گیرید:
۰۰۹۳۷۰۲۰۶۶۴۴۲

آزاده زیستن

غم مخور، دنیای غم ناآشنا پیرت کند
این پلنگ پیر رنج آور زمین گیرت کند
تو به فکری آن مباش اصلاً و از فردا مترس
هی که تا فردا به یک افسانه درگیرت کند

خنده کن، مستانه زی، قلقل بزن کنیاک را
ری نزن ورنه که بی اندازه دلگیرت کند
این که آزاد آمدی، تا کهکشان آزاده باش
چرت زندان را مکن جایی که زنجیرت کند
مرگ از روز اول بر لوح پیشانی توست
نقش این دنیا فقط در قاب تصویرت کند
دست تسلیمت اگر بالا کنی در بُرد و باخت
فیل های دوزخش پامال تقدیرت کند
درس دنیا برگ تاریخی که پیش از ما نوشت
پس خودت بهتر بگو حالا چه تحریرت کند؟
صفر نظری "فایض"

گرداب زندگی

دو روزی زندگی یعنی که با گرداب رقصیدن
از این بیهودگی بهتر به هر آداب خندیدن
میان سینه یک بغضی تکامل کرده با تلخی
مثال لاش خرچنگی که در مُرداب گندیدن
به ساز ناهم آهنگ دف و گیتار سردرگم
چه آدم ها شبیهی تشله با مضراب چرخیدن
اگر فصل مصیبت می رسد تاوان آن حتی
تمام خوب و زشت القصه در سیلاب غرقیدن
سیاهی وسعت جغرافیای قلب و این آدم
برای روشنایی در خود از مهتاب حرفیدن
درون یک تلاطم بستر دریا بما تنگ است
و هنگام جهیدن قطره در تالاب افتیدن
چنین است عادت فلسفه ی "خون جگر" خوردن
که خود یک لخته ی خون است و با تیزاب جنگیدن
صفر نظری " فایض "

خواستش این بود که:
از حقیقت پشتیبانی کن با تمام قوت و همیشه خوب باش.

Ghazal Faez

June 08, 2017

به گریه گریه ترا خانه خانه میجویم... نشانه های ترا ز بی نشانه میجویم

آه آه برادر جانم فراموش کردنت ناممکن است یادت جاودان باد همیشه در قلب منی جان خواهر.

هاجر مهرگان

June 08, 2017

مرگت اندوه بزرگیست شاعر!
سخت غمگینم با این مرگ.
روح را قرین رحمت الهی تمنادارم.

ملیحه آزر

June 08, 2017

دیگر در جمع ما نیست
تو رفتی، بعد از این شعر تو نا تکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت بام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوژه ها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار تۀ دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
جز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم به دوش شعر مولانای رومی ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می ماند
تو رفتی چند روزی ماتم و گور سیاهی است
و نامت در طراز سرخت اخبار می ماند
صفر نظری فایض

عبدالنظر فاروق

June 08, 2017

تو رفتی و تمام غنچه های باغ، پرپر شد
ز داغت، چشم های دوستان از گریه احمر شد
خداوندا! همین آغوش بر، آیا نمی ترکد
که در آن بر همیشه این گوهر نایاب، بستر شد
نمیدانم چه بنویسم، ز مرگ نا به هنگامت
فقط گویم برای دوستداران تو، محشر شد

چقدر غم انگیز و درد آور است...!
هنوز داغ و الم حادثات دلخراش اخیر، که در اثر آن، بسی از هموطنان ما، جان های شریں خود را از دست دادند؛ از دل های ما رخت سفر نه بسته بود که: مرگ نا به هنگام و دور از انتظار آقای فایض عزیز! یک بار دیگر دل های ما را جریحه دار ساخت و قلب های شایقین و هوا دارانش را بر تخت الم نشانند. شخصاً خودم، خیلی مشتاق آن بودم که از فیض و برکت طبع شعری و سبک این ابر مرد شعر و ادب بهره مند و مستفید گردم؛ اما با کمال تأسف، پیکر این آرزو و امید بی جان باقی ماند. رخت سفر بستن این شاعر توانا و فرهیخته از دنیا، حتی به دنیای شعر و ادب لطمه ی خطیری زد...! فایض فقید!

روح و روان پاکت شاد!
جایت جاودانی ات، فردوس برین
و یادت همیشه و همیشه گرامی باد!
انا الله و انا الیه راجعون

محمدالله فاطمی

June 08, 2017

در گذشت شاعر بزرگ شغنان زمین، جوان خوش کلام، انسان فرهنگ دوست، شخص کوشا، وجود پر از مهارت و استعداد، دنیای مهربانی و... آقای صفر (فایض) را ضایع بزرگ دانسته در ضمن از دربار خداوند ج برای مرحوم جنت برین و بر خانواده، نزدیکان و دوستانش صبر جمیل خواهانم.

میر عزیز قربان خیل

June 08, 2017

روحش شاد یادت گرامی باشد دیگر نوشته نمیتوانم چشم هایم از اشک پراست دستم می لرزد فقط امین قدر میگویم بر خانواده احترام، صبر و جمیل خواهانیم.

نورالهدا رهیاب

June 08, 2017

صفر نظری فایض یکی از شعرای جوان کشور به اثر بیماری سرطان در آلمان درگذشت...
او چندی قبل این سوگواره را به مناسبت درگذشت استاد عفیف باختری سروده بود و حالا مرگ او را با خودش برد.

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می‌ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می‌ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این متروکه پشت گام تو آوار می‌ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می‌ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه‌ها اسرار می‌ماند
تو رفتی، سوژه‌ها از رونق بازار افتادند
زمین‌جنب است و آثار تۀ دیوار می‌ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک‌بختان مدرک و آثار می‌ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی‌ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می‌ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می‌ماند
صفر نظری فایض

میر مست میرزاد

June 08, 2017

دروود بر روان پاکت باد .
حیرانم بکدام واژه و جمله عرض تسلیم را حضور والدین بزرگوار و وابستگان و دوستان مرحوم صفر
نظری فایض " شاعر شیرین کلام دیارم ولسوالی شغنان ولایت بدخشان عرض نمایم.

زود کردی ای صفر " زین جمع ما عزم سفر
جان سپردی بهر جانان ؛ دو ستانت بی خبر
باورم هرگز نمی گردد که مرحوم گویمش
اشک جاری میشود ، سوزش کند جان و جگر
حیف از باغی ادب یک .. نو نهالی خشک شد
تازه ها گل کرده بود و بود .. نیکویش ثمر
لیک مرگ نا بهنگام ؛ تک درختی ما گرفت
در نبودش سینه بی هر شعر خوانش پر شرر
از خدا خواهم روحش شاد و یادش مستدام
نیست چاره هیچکس را ، با قضا و با قدر
یا الا ... وابستگانش را ؛ بده صبری جمیل
هیچکس یا رب نبیند ، هیچ وقت داغ پسر !!!
آمین

همچنان تسلیت به خانواده شعر و اهل قلم .
م.میرزاد

داد خدا ادیب

June 08, 2017

برادر م صفر عزیز! با رفتنت قامت ما را خم ساختی، مادرت و تمام فامیل هایت در ماتم اند، می گریند و می گریند اشک باران خانه ات را مملو نموده است نمیدانم خود را قانع بسازم یا فیل ام را، هیچ تحمل دوری ات را نداریم و نمیتوانیم کرد، مهر و محبتت را در رگ رگ مان نهفتی و رفتی و هیچ فراموش شدنی ام نیست، نصحت های محبت آمیزت ، شفقت و دوستی ات باتمام فامیل و اقارب به یاد گار ماند، متحرم چگونه تحمل کنم نبودنت رفتن، هنگامیکه شعر و نبشته ات در شبکات اجتماعی پست میشد به خوانش می گرفتم عاشق آن لیاقت و استعدادت بودم مرور میکردم صدها مرتبه بارها میدیدم و میخواندم به دوستانم و افتخار میکردم ، این همه افتخارات مان چی شد وای حسرتا از جدایی ، از کمنت دادن اصلن بسی ام نمیکرد، از خوشحالی پراگنده بودم، چی شد این همه وای خدای من رفتن همه مان بسوی تو است، بهشت برین برت تنها دارم برادر و دوست عزیز مه.

ایلچی بیک امیری

June 08, 2017

در گذشت چنین فرزند فرزانه در شرایط فعلی واقعا یک ضایعه بزرگ است.
فایض صاحب گرامی مرگ شما نه تنها مردم شریف شغنان را در ماتم نشاند بلکه تمام افغانستان را با این سفر ابدی تان در اندوه قرار دادین. ویک شاخه پر بار از ادبیات کشور بریده شد.
نمیدانم با کدام واژه ها این تسلیت را برای فامیل دوستان تان بگویم واقعا درد آور است از دربار خالق بی حمتا برای شما بهشت برین و به فامیل های تان صبر جمیل استدعا دارم.
انا لله وانا اليه راجعون.

Ziauddin Zia Mohammad Ghulam

June 08, 2017

مرگ نا بهنگام صرف جان سخت آندو گینم ساخته و یکبار دیگر مرگ این شاعر جوان مرا به سال حمل ۱۳۸۶ واداشت و خاطرات مرحوم داکتر عبدالرحیم اوستا را در ذهنم تازه کرد که آن فقید هم در اثر این مریضی علاج ناپذیر این دنیا را وداع گفت.

Khanali Badakhshee

June 08, 2017

دقیقا تاثیر مرگ ها بر اجتماع متفاوت بوده است بعضی مرگ ها سبک تر از پر قو و بعضی هم سنگین

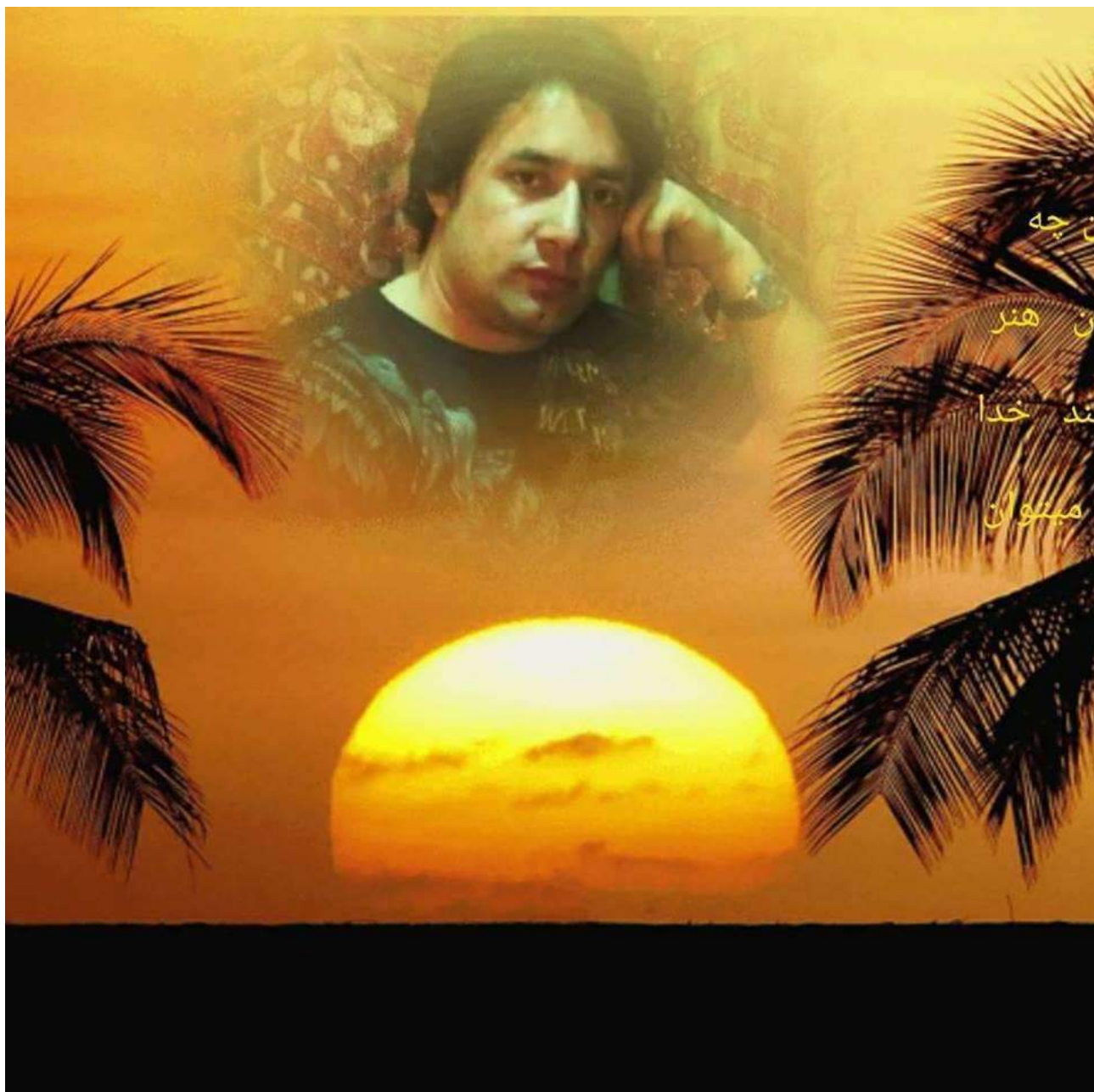
تر از کوه تمام میشوند خبر درگذشت نا بهنگام فرزند فرزانه دیارم شاعر یکتاز، شیرین کلام، نویسنده که درد و رنج ملت را بر ملا و از جامعه انعکاس، و همیشه لفظ اش را فدای حقیقت کرده بود برای مایان سنگین تر از کوه تمام شد و امروز به تمام استعداد خدادادیش در آغوش خانه ابدی اش می‌رود و برای همیشه از ما خدا حافظی میکند و تمام وابسته گانش را سخت اندو گین و سوگوار نموده است ولی خوش به حال اینگونه انسان ها که یک عمر عاشقانه زنده گی کردند و عاشقانه این دنیا غدار را لیبیک میگویند چنانچه شاعر میگوید:

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

فایض عاشق بود که با عشق راستینش توانسته یک مقطع زنده گی اش را صرف خدمت رشد فرهنگ، شعر و ادب نماید و در این بره تاریخ از جمله خدمت گذاران پیش تاز فرهنگی به شمار می‌رود. بدین وسیله بنده با تمام اندوه و تأثر عمیق ضمن اینکه این شخصیت چند بعدی یک ضایعه بزرگ در عرصه شعر و ادب دانسته برای خانواده مرحوم، فرهنگیان بدخشان و تمام وابسته گانش از ایزد متعال صبر جمیل و برای برای مرحوم بهشت برین استدعا می‌نمایم. روح شاد یادت گرامی باد!

تصاویر

















انالله وانا اليه راجعون

تو ات ناتویج ات تو ات خو نوُم چود جاودوُن
 قُد تو گاپ شیرین تو حرف ات هم زبوُن
 تو ات نه تیوج ات تو ات غل ات مَاش خیز مدوُم
 تو ات دل اند ات یاڈ درون ار مَاش رووُن
 تو ات نه تیوج ات تو ات خو دفتر چود چست
 داڈ تو عمری صفحه ینین کَام اکت کَام قُد جووُن

روح شاد و یادت جاودان باد صفر جان (فایض)
 شاعر خوشکلام دیار بدخشان



نگاه به تصویر تاریخ
 نقش یک تصویر ساکت بر دل دیوار چیست
 لوح صورت لوح خرمین گاه هر بازار چیست
 با چرند لحن 'قانون' یک کتاب از دست رفت
 هر دهن کج را سخن از مطلب گفتار چیست
 هی، اسارت در غلاف مشت استبداد نه
 خود فروشی را دلیل آوردن از 'تاچار' چیست
 در عمل اندک ترین عهد شما ثابت نشد
 این همه حرفیدن و لافیدن بسیار چیست
 خواب این تاریخ ما از پنج هزار سال هم گذشت
 در نهایت از رمق این فرصت 'بیدار' چیست
 آسمان از هیبت بیداد ما دلتنگ شد
 افتتاح در پرده از پیشینه ی کردار چیست
 ملیت از آلودگی چون نقش سگد ها بو گرفت
 قلب کوچک دفن گاه نطفه ی مردار چیست
 لعل بارونیم، مرا از بوی گندم عطر کوا
 لاله در آزادگی با یک دل خونبار چیست
 صفحه ی تاریخ من عمق سیاهی بیش نیست
 رغبت اسطوره سازی در صف آمار چیست
 هر چه خواندم، قفل رمز این معما وا نشد
 آن طلسم کهکشان در برگ این تِیَمار چیست
 صفر نظری فایض



آخرین غزل مرحوم فایض صفری:

من مثل سایه همقد تو راه می‌روم
از ابتدا به سرحد تو راه می‌روم

هرگز جدا به نوبت گامم نرفته‌ام
قامت‌الف! پی‌مد تو راه می‌روم

گاهی بغل گرفته و دستت به دست من
گاهی کنار و از رد تو راه می‌روم

پیوسته در نگاه فریب تو گم شوم
از خود برون و در حد تو راه می‌روم

فکرم که راه سمت رسیدن قریب و من-
سوی اتاق آمد تو راه می‌روم

گاهی که از نهایت خط حرف می‌زنی
من بسته‌چشم از سد تو راه می‌روم

تو از عدول گام خویدم خشم کردی و...
من در مقام ارشد تو راه می‌روم

صفر نظری فایض



غزل

ما را به گند آلوده است پا در میانی شما
تلخ است طعم سفره ی شیرین زبانی شما
می مفرضان بد سرشت از مکر تان انکار چیست
صد پرده پشت پرده از راز نهانی شما
سحقاً گرافی می کنید از دهن گند آلود خود
دل ها به تنگ آمد از این لاف جهانی شما
تا چند باور کردن و تا چند قول اعتبار
در ما گمان پژمرده از هر بد گمانی شما
آینه وار استاده ایم در پیش چشم و هوش تان
دل را به دل کی جا دهد حال روانی شما؟!
از پرده ی اغوا اگر حرفی برون زد. آن زمان
چرخ هیاهوی خبر. چون و چنانی شما
از راه انسان محوری مرز توسل ممکن است
دنیا به بن بست است از این "قید زمانی" شما

صفر نظری «فایض»

طراحی و دیزاین: خسرو «اکسپر»

تو رفتی، بعد از این شعر تو ناتکرار می ماند
فقط دیوان تو در سینه پندار می ماند
تو رفتی از میان این جماعت با ندای سبز
که این مترو که پشت گام تو آوار می ماند
برای فصل گل بعد از تو بلبل هم نخواهد خواند
سکوت قلب و تنها لمحۀ دیدار می ماند
چه آسان پر کشیدن در فراسوی حوالی بود
که در چشم تر آینه ها اسرار می ماند
تو رفتی، سوزها از رونق بازار افتادند
زمین جنب است و آثار ته دیوار می ماند
برای مرگ آدم هیچ درمان و دلیلی نیست
بجز از نیک بختان مدرک و آثار می ماند
تو ای پرچم بدوش شعر مولانای بلخی ها
درخت معرفت در شهر تان پر بار می ماند
تو رفتی، چند روزی ماتم گور سیاهی هست
و نامت در طراز سرخط اخبار می ماند



انا لله و انا اليه راجعون

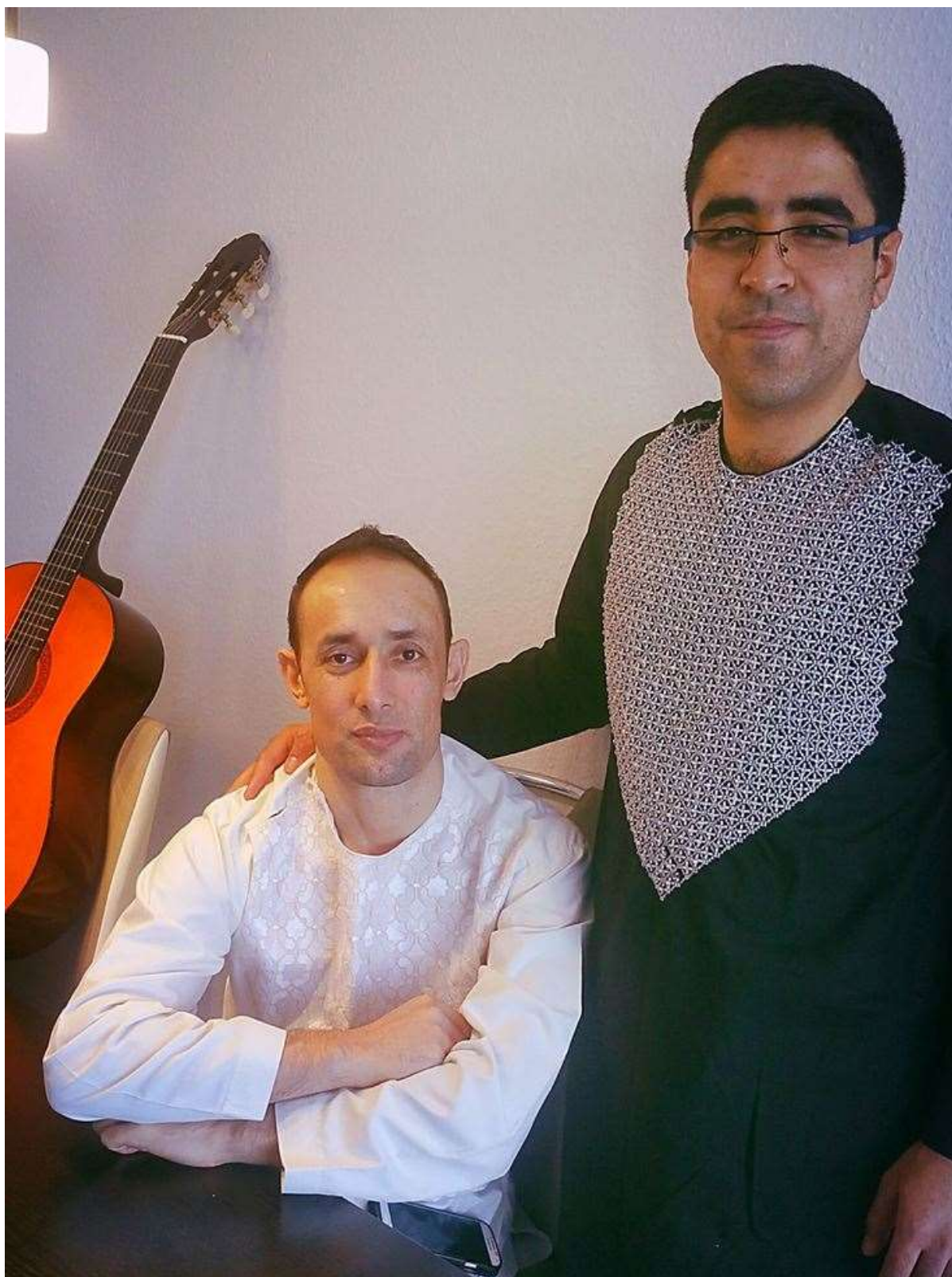
دوسه هفته قبل برایم نوشتی شعری در باره مرحوم باختری
سروده ام برایم قاب بگیر اما امروز عکس تو را با اندوه فراوان
قاب گرفتم روحت شاد و جنت فردوس جایت باد



آخرین شعر
صفر نظری «فایض»
(در ثانیه های واپسین)

پی هر يك نفس زندگی تاوان دادیم
کیسه خالی شد و در فقر عبث جان دادیم
همه یوسف شده در حجم قفس زندانی
عوض چاه سیئه وسعت کنعان دادیم
دامن پهن گدایی به جهان بگشوده
تا به بیگانه ترین دشمن مان نان دادیم
شرم چشمان خود از پرده نراندیم برون
نبض آیینۀ به یولاده ی سندان دادیم
محک نرمی و سختی زمان هرزه و سهل
مثل يك تخم به آزمایش دندان دادیم
عمر نامرد چرا پنجه ی سخت گیر نبود
این رمق را چقدر ساده و آسان دادیم
فرض کن عاقبت آمدن این رفتن ماست
نه چرا این همه را زود به حرمان دادیم
عبرت آموخته گان بر رخ ما می خندند
شرم سارانه به هر پنجه گریبان دادیم

طراحی و دیزاین: خسرو «اکسیر»









29% 15:00

← Beiträge



Nazem Niyazi

18 Minuten •

آنا الله و آنا اليه راجعون
اندوه ما در غم از دست دادن ان عزيز بزرگوار در واژه‌ها
نمیگنجد
دوست عزيزم صفر نظر فايض جهان فانی را وداع گفت و به
ابدیت پیوست روحش شاد و یادش گرامی باد وه به فامیل
محترم شان صبری جميل از درگاه خداوند متعال میخواهم



سیمای شغنان



Kommentieren ...



